

# کمیته‌سازی مجازات حبس: مطالعه تطبیقی فقه اسلامی، نظام عدالت کیفری ایران و آمریکا

## چکیده

این مقاله با روش تحقیق تطبیقی و توصیفی-تحلیلی به بررسی مقایسه‌ای رویکردهای کمیته‌سازی مجازات حبس در سه نظام حقوقی فقه اسلامی، نظام عدالت کیفری ایران و نظام عدالت کیفری آمریکا می‌پردازد. هدف اصلی این پژوهش، تحلیل مبانی نظری و عملی کاهش استفاده از حبس و ارزیابی تأثیرات آن بر کارآمدی نظام‌های قضایی و ساختارهای اجتماعی است. در فقه اسلامی، با استناد به اصولی مانند کرامت انسانی، عدالت ترمیمی و هدف اصلاحی مجازات‌ها، استفاده از حبس به حداقل ممکن کاهش یافته و جایگزین‌های مناسبی مانند جریمه نقدی، خدمات عمومی و برنامه‌های اصلاحی پیش‌بینی شده است. این نگرش با فلسفه مجازات در اسلام که بر بازپروری مجرم‌ان تأکید دارد، همخوانی کامل دارد. نظام عدالت کیفری ایران اگرچه همچنان بر مجازات حبس به‌عنوان یکی از واکنش‌های اصلی تأکید دارد، اما با تصویب قوانینی مانند «قانون کاهش حبس تعزیری» در سال ۱۳۹۹ گام‌های مؤثری در جهت کاهش جمعیت کیفری برداشته است. این قانون با هدف کاهش هزینه‌های سنگین نگهداری زندانیان و بهبود شرایط زندان‌ها تصویب شده، هرچند با چالش‌هایی مانند کمبود زیرساخت‌های اجرایی مواجه است. در مقابل، نظام عدالت کیفری آمریکا با سیاست‌های سخت‌گیرانه‌ای مانند «جنگ با مواد مخدر» و «قانون سه ضربه» به یکی از بالاترین نرخ‌های زندانی شدن در جهان دست یافته است. اما در سال‌های اخیر، قوانین فدرال و ایالتی متعددی تصویب شده که هدف آن کاهش جمعیت زندان‌های فدرال از طریق گسترش مجازات‌های جایگزین و برنامه‌های اصلاحی است. مطالعه تطبیقی نشان می‌دهد که هر دو نظام ایران و آمریکا به ضرورت کاهش استفاده از حبس پی برده‌اند، اما در میزان موفقیت و شیوه‌های اجرایی تفاوت‌های چشمگیری وجود دارد. برای بهبود نظام عدالت کیفری ایران، پیشنهاد می‌شود راهکارهایی مانند توسعه مجازات‌های جامعه‌محور، تقویت برنامه‌های اصلاحی در زندان‌ها، کاهش حبس‌های طولانی‌مدت و افزایش مشارکت نهادهای مدنی به کار گرفته شود. این اصلاحات می‌تواند ضمن کاهش هزینه‌های اقتصادی، به افزایش کارآمدی نظام عدالت کیفری و کاهش نرخ بازگشت به جرم بینجامد.

**کلمات کلیدی:** کمیته‌سازی مجازات حبس، فقه اسلامی، نظام عدالت کیفری ایران، نظام عدالت کیفری آمریکا، کاهش حبس تعزیری.

## مقدمه

در دهه‌های اخیر، با گسترش نقدها نسبت به اثربخشی مجازات حبس، موضوع کاهش کاربست آن در دستور کار بسیاری از نظام‌های حقوقی قرار گرفته است. امروزه جامعه به ابزارهای مختلفی برای حفظ نظم اجتماعی، قاعده‌مندسازی رفتارهای شهروندان و حمایت از ارزش‌ها و هنجارهای خود نیازمند است که یکی از آن‌ها توسل به ابزارهای حقوق کیفری از جمله مجازات‌ها است. هیچ جامعه‌ای بدون حقوق و قواعد جزایی وجود ندارد. (Naffine, 2004:9) متناسب با ارج‌گذاری به این قواعد، فهم و آگاهی نسبت به حدود و چگونگی استفاده از حقوق جزایی و فعال‌سازی قلمرو کیفری حیاتی است. کیفری کردن هر مسأله خرد و پدیده کوچک و بزرگی و اعطای وصف مجرمانه به آن‌ها نه تنها به خیر سیاسی<sup>۱</sup> منتهی نمی‌شود، بلکه به بروز مخاطراتی چون اطلاعاتی دادرسی، عادی شدن کیفرها و افزایش هزینه‌های اجتماعی و اقتصادی جامعه دامن می‌زند. توسل به راهبرد وضع و اجرای قوانین تعدیلی-کاهشی در مواقعی که تأسیسات و عناوین جزایی معمول اعتبار و کارکردهای خود را از دست می‌دهند، اقدامی راهگشا در توانمندسازی حقوق جزایی حاکم بر جامعه است. (کروانی، ۱۴۰۰: ۵۷) زمانی که سیاست‌های جنایی جاری در جامعه کارکرد خود را از دست می‌دهند یا در مسیر نظم‌آفرینی و تحقق اهدافی چون کاهش نرخ کلی تکرار جرم در جامعه با نارسایی مواجه می‌شوند، علاوه بر اقدامات فرهنگی و اجتماعی که شدیداً مورد توصیه نظام سیاست‌جنایی جامعه‌مدار هستند، اجرایی کردن طرح‌هایی مثل حذف و نسخ مجازات (کیفرزدایی)، تبدیل و جایگزین‌سازی مجازات، توسعه‌ی نهادهای ارفاقی و کاهش نصاب کمی مجازات‌های موجود می‌توانند به ترمیم نقایص و ارتقای سطح کارایی منطقی جنایی و کیفری حاکم بر جامعه کمک شایانی نمایند.

عدالت‌ترمیمی، خصوصی‌سازی و استفاده از ظرفیت‌های نهادهای مردمی برای صیانت از نظام ارزشی جامعه و حمایت از آن، از دیگر مبانی وضع و شکل‌گیری قوانین جزایی تقلیل‌گرا و تعدیلی در جامعه جهانی بوده و از آن به‌عنوان راهکاری برای توانمندسازی سیاست‌مقابله با هنجارشکنی‌ها و انحرافات رفتاری در سطوح خرد و کلان یاد می‌شود. (Ashworth, 1998: 282) نه تنها باید در زمان رسیدگی‌های کیفری در محاکم قضایی و رسمی و مرحله تعیین مجازات از حضور و نظارت مردم و جامعه مدنی بهره گرفت؛ بلکه حتی می‌توان بسیاری از رفتارهای ناقض قانون را بدون استفاده از برچسب جرم، به طرق مدنی و مردمی پاسخ داده و راه ارتکاب مجدد آن‌ها را مسدود ساخت. مردمی‌کردن نظام عدالت‌کیفری و برون‌سپاری فعالیت‌های شایع و رسمی برای حمایت از ارزش‌ها و هنجارها به توسعه‌ی مشارکت مدنی و مشورتی‌شدن نظام حقوقی حاکم بر جامعه کمک می‌کند. مقابله با جرایم مختلف که از اهداف اصلی حقوق و عدالت‌کیفری است، بدون حضور معقول و هدفمند مردم و نهادهای غیردولتی بی‌معنی بوده و به شیوع سرکوبگری عوام‌گرا<sup>۲</sup> (که لزوماً متقارن با ادراک عمومی<sup>۳</sup> جامعه هم نیست) و متلاطم‌شدن امواج سینوسی سیاست‌کیفری مبتنی بر آن می‌انجامد. چنین رویکردهایی اکنون در زمره دغدغه‌های راهبردی سیاست‌جنایی کشورهای مختلف قرار گرفته‌اند و با درجات متفاوتی از اجرا، در فرآیند قانون‌گذاری و اصلاح نظام عدالت‌کیفری نقش ایفا می‌کنند.

کیفر حبس به‌عنوان یکی از رایج‌ترین مجازات‌ها در نظام‌های عدالت‌کیفری جهان، همواره مورد بحث و نقد بنیادی بوده است. جرمی بنتام<sup>۴</sup> فیلسوف، اقتصاددان، حقوقدان و اصلاح‌گر اجتماعی انگلیسی که به‌عنوان بنیان‌گذار سودمندگرایی مدرن شناخته می‌شود، در اعتراض به وضعیت زندان‌ها و کیفر حبس اقدام به نگارش مقاله جنجالی خود نمود. هر چند رویکرد فقه اسلامی را می‌توان از دیرباز استثنائی بودن کیفر سالب آزادی ادعا نمود (که در این مقاله به اثبات وجود چنین رویکردی خواهیم پرداخت) اما در جوامع مدرن، پس از عصر روشنگری به مرور زمان بشر به معایب زندان پی برد. در سال‌های اخیر، رویکردهای جدیدی در خصوص کمینه‌سازی مجازات حبس و جایگزینی آن با مجازات‌های غیرسالب آزادی مانند الزام به انجام خدمات اجتماعی رایگان، جریمه‌های نقدی و برنامه‌های اصلاحی مطرح شده است. این رویکردها در نظام‌های حقوقی مختلف، از جمله فقه اسلامی و نظام عدالت‌کیفری ایران و آمریکا، به گونه‌های متفاوتی اعمال شده‌اند.

کمینه‌سازی مجازات حبس و کاهش استفاده از مجازات حبس و جایگزینی آن با مجازات‌های غیرسالب آزادی عموماً با رویکرد با هدف کاهش هزینه‌های اجتماعی و اقتصادی ناشی از حبس و افزایش اثربخشی مجازات‌ها در اصلاح مجرمان مطرح می‌شود. (صادقی، ۱۳۹۸: ۴۵) مبانی مستحکمی برای کاهش استفاده از زندان و کیفر سالب آزادی در فقه اسلامی وجود دارد و صرف‌نظر از اینکه تنها در موارد معدودی حبس به‌عنوان مجازات (حد یا تعزیر) پیش‌بینی شده است، امکان جایگزین‌های حبس مورد تأیید فقه اسلامی بوده و هست. کمینه‌سازی مجازات حبس از طریق جایگزینی آن با مجازات‌های غیر سالب آزادی مانند جریمه‌های نقدی، خدمات اجتماعی و برنامه‌های اصلاحی امکان‌پذیر است. (موسوی بجنوردی، ۱۳۹۵: ۶۷) در نظام عدالت‌کیفری ایران، مجازات حبس به‌عنوان یکی از مجازات‌های اصلی برای جرایم مختلف در نظر گرفته شده است. با این حال، در سال‌های اخیر، تلاش‌هایی برای کمینه‌سازی مجازات حبس و جایگزینی آن با مجازات‌های غیرسالب آزادی صورت گرفته است. (رحیمی، ۱۳۹۹: ۸۹) در نظام عدالت‌کیفری آمریکا نیز مجازات حبس به‌عنوان یکی از مجازات‌های اصلی برای جرایم مختلف در نظر گرفته شده است. در این نظام حقوقی، به‌عنوان یکی از بزرگترین نظام‌های دارای جمعیت کیفری زندان‌ها، هم در استفاده افراطی از مجازات حبس قوانین و رویکردهایی وجود داشته و هم برنامه‌ها و سیاست‌های کاهش استفاده از کیفر سالب آزادی و استفاده از جایگزین‌های حبس فراوانی در این نظام حقوقی تدوین و اجرایی شده است. با این حال، در سال‌های اخیر نیز، رویکردهای جدیدی در خصوص کمینه‌سازی مجازات حبس و جایگزینی آن با مجازات‌های غیرسالب آزادی مطرح شده است. (Smith, 2020: 123) هرچند اصلاح رویکرد نظام عدالت‌کیفری در هر دو نظام ایران و آمریکا مشهود

2- Populist Punitiveness

3- Public perception

4- Jeremy Bentham (1748-1832)

است، با این حال استفاده از مطالعات انجام گرفته در سیاست جنایی و تجربیات نظام عدالت کیفری آمریکا، نتایج مناسبی جهت تقویت رویکرد نظام عدالت کیفری ایران به دست خواهد داد.

این مقاله از روش تحقیق تطبیقی و توصیفی-تحلیلی استفاده می‌کند. داده‌های مورد نیاز از طریق مطالعه برخی از پرونده‌های در دسترس، مصاحبه با قضات و آسیب‌شناسی برخی از پرونده‌ها، بررسی آمارهای مرتبط، مطالعه منابع کتابخانه‌ای و تحلیل اسناد حقوقی، قوانین، و منابع فقهی جمع‌آوری شده‌اند. همچنین، از گزارش‌های رسمی و آمارهای مربوط به زندان‌ها و نظام‌های عدالت کیفری ایران و آمریکا استفاده شده است. تحلیل داده‌ها به صورت کیفی و با رویکرد تطبیقی انجام شده است.

در این نوشتار کاربست کمینه کیفر حبس در فقه اسلامی، نظام عدالت کیفری ایران، نظام عدالت کیفری آمریکا تحلیل می‌شود و ضمن مطالعه تطبیقی بین دو نظام حقوقی در نهایت، نتیجه‌گیری و پیشنهادهای جهت اصلاح رویکرد نظام عدالت کیفری ایران ارائه می‌شود.

## ۱- مبانی رویکرد کاهش‌ی سیاست جنایی در کاربست کیفر حبس

کمینه‌سازی مجازات حبس به معنای کاهش استفاده از مجازات حبس و جایگزینی آن با مجازات‌های غیرسالب آزادی است. این رویکرد با هدف کاهش هزینه‌های اجتماعی و اقتصادی ناشی از حبس و افزایش اثربخشی مجازات‌ها در اصلاح مجرمان مطرح شده است (صادقی، ۱۳۹۸، ص ۴۵). کمینه‌سازی مجازات حبس می‌تواند شامل تقنین در جهت کاهش میزان با حذف کیفر حبس، استفاده از مجازات‌های جایگزین مانند جریمه‌های نقدی، خدمات اجتماعی، برنامه‌های اصلاحی و نظارت الکترونیکی باشد. (Zimring, 2017: 34) کاهش استفاده از کیفر سالب آزادی به معنای کاهش اعمال مجازات‌هایی است که آزادی فرد را سلب می‌کنند. این رویکرد بر استفاده از مجازات‌های جایگزین حبس و غیرسالب آزادی، مانند خدمات اجتماعی، جریمه‌های نقدی، یا برنامه‌های اصلاحی تأکید دارد. (مودن‌زادگان، ۱۳۹۸: ۲۳۴-۲۳۵) کمینه‌سازی مجازات حبس رویکردی در سیاست کیفری است که به منظور کاهش پیامدهای منفی حبس، مانند هزینه‌های اقتصادی، ازدحام زندان‌ها، و آسیب‌های روانی و اجتماعی، به تقنین و اجرای مجازات‌های غیرسالب آزادی چون خدمات اجتماعی، جریمه نقدی، برنامه‌های اصلاحی و نظارت الکترونیکی تأکید دارد. عموماً هدف از این کاهش، جلوگیری از عواقب منفی زندان‌ها، مانند ازدحام جمعیت در زندان‌ها، هزینه‌های بالای نگهداری زندانیان، و اثرات منفی اجتماعی و روانی ناشی از حبس است. در این بخش مبانی رویکرد کاهش‌ی سیاست جنایی در کاربست کیفر حبس را در فقه اسلامی و فلسفه غربی و اسناد بین‌المللی بررسی می‌کنیم.

### ۱-۱- مبانی کاهش به‌کارگیری کیفر سالب آزادی در فقه

در این قسمت، قصد نداریم به بررسی کلی فلسفه مجازات بپردازیم یا به دنبال نظریه‌ای فلسفی باشیم که بتواند توجیهی مناسب برای مجازات ارائه دهد. مجازات مقوله‌ای نیست که بتوان آن را در چارچوب یک نظریه محدود کرد و به بحث گذاشت. هدف ما تنها این است که بدانیم چرا حبس به عنوان یکی از مجازات‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. با این وجود، لازم است اشاره‌ای گذرا به فلسفه مجازات در اسلام داشته باشیم؛ چرا که مجازات‌هایی مانند سلب آزادی نیز ریشه در همین فلسفه دارند. در واقع، مبنای مجازات یا همان اندیشه اساسی که مجازات‌های اسلامی بر آن استوار است، همان مبنایی است که کل شریعت اسلامی بر آن بنا شده است. فقه جزایی و پدیده کیفر، بخشی از این شریعت اسلامی هستند که ابعاد گسترده‌ای دارند و اجزای آن باید با یکدیگر هماهنگ و سازگار باشند. چرا که تمام شریعت در راستای تحقق یک هدف واحد حرکت می‌کند و داشتن مبنایی یکپارچه برای آن ضروری است. در خصوص ارائه این مبنای، تقریباً بین علمای اسلامی اتفاق نظر وجود دارد. خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» (سوره انبیاء، آیه ۱۰۷). بر این اساس، شریعت - که مجازات نیز بخشی از آن است - رحمتی است از جانب خداوند برای بندگانش. رحمتی که همه جا و همه چیز را در بر می‌گیرد. حال این سوال مطرح می‌شود که چگونه رحمت می‌تواند مبنای کیفر قرار گیرد؟ پاسخ این است که اگرچه

در کیفر از رنج و عذاب سخن گفته می‌شود که ظاهراً با رحمت سازگار نیست، اما این رحمت است که اقتضا می‌کند منافع و مصالح به افراد جامعه برسد، مفسد و ضررها از آنان دور شوند و حیات جامعه و افراد آن تداوم یابد. (ابراهیم‌وند، ۱۳۹۲: ۵۷) این رحمت الهی و پیامد اجتناب‌ناپذیر آن، یعنی جلب مصلحت و دفع مفسده، به وضوح از متون دینی استنباط می‌شود و شماری از علمای دین نیز بر این امر تأکید کرده‌اند. برخی از اندیشمندان، تمام دین را مصلحت دانسته‌اند<sup>۵</sup> و برخی دیگر تصریح کرده‌اند که شریعت اسلامی برای تحصیل و تکمیل مصالح و نیز تعطیل یا کاهش مفسد نازل شده است.<sup>۶</sup> عده‌ای دیگر نیز بر این باورند که شالوده و اساس شریعت بر حکمت‌ها و مصالح بندگان در امور دنیوی و اخروی استوار است که همگی مصادیق عدالت، رحمت، مصلحت و حکمت به شمار می‌روند.<sup>۷</sup> بنابراین، می‌توان گفت که مبنای کیفر، تامین مصلحت برای انسان‌ها و دفع فساد از آنان است. همان‌طور که امام محمد غزالی نیز بر همین عقیده است. (قربان‌نیا، ۱۳۸۷: ۵۱) عبدالقادر عوده نیز هدف از کیفر را اصلاح انسان‌ها، حمایت از آنان در برابر مفسد، نجات آنان از جهالت، هدایتشان از گمراهی، بازداشتن ایشان از ارتکاب گناهان و جرایم و تشویق آنان به اطاعت از خداوند و پیروی از قانون می‌داند. (عوده، ۱۳۸۰ ه.ق: ۶۰۹) از نظر مشهور فقها از جمله شیخ مفید، زندان یا حبس تعزیر است نه حد؛ زیرا پیامبر (ص) از اجرای حدود در حرم و مساجد نهی فرموده‌اند و از طرفی روایات حاکی از آن است که ایشان و امیرالمؤمنین (ع) مجرمان را در مسجد می‌بستند. اگر حبس، حد محسوب می‌شد، هرگز اجرای آن در مسجد جایز نبود. (مفید، ۱۴۱۰ ه.ق: ۲۳۹) علامه حلی نیز بیان می‌کند: «التعزیر یجب فی کل جنایة لاجد فیها و هو یكون بالضرب و الحبس و التوبیخ». (حلی، ۱۴۲۰ ه.ق: ۲۳۹)

### ۱-۱-۱- زندان در اندیشه دینی

در اندیشه دینی، زندان به عنوان یک مجازات اصلی محسوب نمی‌شود، بلکه بیشتر به عنوان یکی از مصادیق تعزیر، اقدامی تأمینی و تربیتی در نظر گرفته می‌شود که هدف آن اصلاح فرد، بازدارندگی از جرم و پیشگیری از تکرار آن است. حتی در مواردی که زندان به عنوان مجازات به کار می‌رود، این اقدام به عنوان یک ضرورت مطرح می‌شود و با منطق اسلام که بر پرورش روحی و روانی افراد جامعه تأکید دارد، همخوانی کامل ندارد. (خلیلی، ۱۳۸۹: ۶۹) این ضرورت نیز عمدتاً به منظور دور کردن مجرم از جامعه، بر اساس مصلحت‌های خاص، اعمال می‌شود.

عبدالقادر عوده، پژوهشگر برجسته فقه اسلامی، نیز با این دیدگاه موافق است. او با استناد به آمارهای دقیق نشان داده است که دوسوم از جرایم، مشمول مجازات‌های حدی و قصاص هستند و یک‌سوم باقی‌مانده به دو دسته تقسیم می‌شوند: دسته اول شامل جرایم مهمی مانند آدم‌ربایی به قصد قتل، دزدی برای بار سوم و دستور به قتل دیگری است که در شریعت، مجازات زندان به صورت نامحدود یا ابد برای آن‌ها در نظر گرفته شده است. برخی از این مجرمان تا زمان توبه باید در زندان بمانند [منظور وی زن مرتد بوده است] و برخی دیگر تا پایان عمر حق خروج از زندان را ندارند. به همین دلیل، می‌توان گفت که زندان در اسلام به عنوان یک مجازات بازدارنده عمل نمی‌کند، زیرا این افراد به طور دائم در زندان می‌مانند و امکان بازگشت به جرم برای آن‌ها وجود ندارد. در مورد جرایم کوچک‌تر و کم‌اهمیت‌تر که مشمول تعزیر هستند، شریعت ترجیح می‌دهد که اکثر آن‌ها با مجازات‌هایی مانند تازیانه پاسخ داده شوند. اگر فرض کنیم که نیمی از این جرایم با تازیانه مجازات شوند، تنها حدود پانزده درصد از تخلفات باقی می‌مانند که ممکن است مجازات‌هایی مانند زندان، جریمه نقدی یا تبعید برای آن‌ها در نظر گرفته شود. با این حساب، درصد بسیار کمی از مجرمان به زندان محکوم می‌شوند. (عوده، همان: ۷۳۲) همان‌گونه که در آراء فقها مشاهده شد، کیفر حبس در فقه اسلامی نه تنها امری استثنایی است؛ بلکه غالباً ابزاری موقتی برای تأمین مصالح اجتماعی تلقی می‌شود؛ این رویکرد با ایده بازپرویی و تربیت نیز سازگار است.

۵- عزین عبدالسلام، قواعد الاحکام فی مصالح الانام، ص: ۵؛ «ان الشریعه کلها مصالح: اما دره مفسد او جلب مصالح». به نقل از: قربان‌نیا، ناصر، فلسفه مجازات‌ها در فقه کیفری اسلام، مجله قضاوت، مرداد و شهریور ۱۳۸۷، شماره ۵۲، ص: ۴۹.

۶- ابن تیمیه، منهاج السنه، جلد ۲، ص: ۱۳۱؛ «ان الشریعه الاسلامیه جائت بتحصول المصالح کلها و تکمیلها و تعطیل المفسد و تفکیکها».

۷- ابن قیم الجوزیه، اعلام الموقعین، جلد ۳، ص: ۲؛ «الشریعه میناها و اساسها علی الحکم و مصالح العباد فی المعاش و المعاد و هی عدل کلها و رحمه و مصالح کلها و حکم کلها».

به عبارتی دیگر، در نظام فقهی اسلام، کارکرد زندان به عنوان ابزاری برای دور نگه داشتن افراد خطرناک از جامعه به وضوح دیده می شود. با این حال، نباید از نظر دور داشت که هدف از زندان در اسلام صرفاً طرد مجرمان از جامعه نیست، بلکه رویکرد اصلاحی و تربیتی نسبت به مجرمان همواره در مجازات های اسلامی مورد توجه بوده است. تأسیس دو زندان به نام های «نافع» و «مخیس» توسط امیرالمؤمنین علی (ع) نیز بر پایه همین اندیشه دینی و با هدف اصلاح و تربیت مجرمان صورت گرفته است. توفیق الفکیکی، فقیه و پژوهشگر عراقی، با ارائه دو دلیل به اثبات این موضوع پرداخته است: نخست، انتخاب نام های «نافع» (که به معنای سودمند است و در مقابل ضرر قرار دارد) و «مخیس» (که به معنای خوار کردن، نرم نمودن و تمرین دادن است) نشان می دهد که امام علی (ع) برای زندانیان ارزش قائل بوده و مجازات آن ها را بر پایه تفکر اصلاحی و تربیتی بنا نهاده است. دوم، بر اساس منابع تاریخی، در این زندان ها برنامه هایی مانند انجام عبادات شرعی، آموزش قرآن، سوادآموزی و برنامه های تهذیبی به صورت اجباری اجرا می شده است. (وائلی، ۱۳۶۲: ۲۷۳) با این حال، امام علی (ع) استفاده از زندان را به موارد محدودی اختصاص می دادند. به گونه ای که گفته می شود در زمان شهادت ایشان، در سراسر قلمرو اسلامی تنها یک زندانی وجود داشت و آن هم ابن ملجم مرادی بود که طبق دستور امام علی (ع) در شرایط کاملاً انسانی نگهداری می شد. (خلیلی، همان: ۸۶) مرحوم آیت الله شاهرودی نیز استفاده گسترده از زندان را تقلیدی از نظام های غربی دانسته و معتقد است که به کارگیری زندان در مواردی که جایگزین های مناسب تری وجود دارد، با فلسفه مجازات ها در اسلام ناسازگار است. (پورهاشمی، ۱۳۸۳: ۱۴۰)

همان طور که ملاحظه می شود، کارکردگرایی حبس به عنوان وسیله ای جهت دور نگه داشتن خطر برخی افراد از جامعه در نظام فقهی اسلام به خوبی مشاهده می شود. البته نباید دور از نظر داشت که جنبه ی طردکردن مجرم از جامعه، تنها کارکرد حبس از منظر اسلام نیست؛ بلکه رویکرد اصلاحی نسبت به مجرمان همیشه در مجازات های اسلامی مدنظر بوده است. تأسیس دو زندان به نام های «نافع» و «مخیس» توسط امیرالمؤمنین (ع) بر مبنای همین اندیشه دینی و اصلاح مجرمان بوده است.

توفیق الفکیکی (وکیل، فقیه، قاضی، ادیب، روزنامه نگار و پژوهشگر عراقی) با دو دلیل به اثبات این مطلب پرداخته است: اولاً: نامیدن آن دو زندان به اسامی «نافع» با توجه به اینکه نفع، ضد ضرر است، و «مخیس» با توجه به اینکه معنای تخییس، خوار نمودن و نرم کردن و تمرین دادن است، نتیجه گرفته است که آن جناب برای شخص زندانی ارزش زیادی قائل شده و کیفر دادن ایشان بر پایه تفکر اصلاحی بوده است. ثانیاً: با تکیه بر مطالبی که درباره ی رفتار امام علی (ع) با زندانیان در تاریخ به صراحت بیان شده است و بر اساس اطلاعات موجود در منابع، اجرای عبادت های شرعی، تنظیم برنامه های تهذیبی، آموزش قرآن، فراگیری سواد و ... در دو زندان نافع و مخیس رعایت می شده و یکی از برنامه های اجباری بوده است. (وائلی، ۱۳۶۲: ۲۷۳) با این حال امام علی (ع) از زندان در موارد محدود استفاده می نمود، به طوری که گفته می شود در زمان شهادت ایشان در سراسر مملکت اسلامی فقط یک زندانی وجود داشت که آن هم ابن ملجم مرادی بود که بر اساس سفارش امام علی (ع) در شرایط کاملاً انسانی محافظت می شد. (خلیلی، همان: ۸۶)

هرچند استفاده از زندان به عنوان مجازات در فقه اسلامی مجاز شمرده شده است، اما این جواز با عنایت به آثار سوء مجازات حبس نباید به گونه ای اعمال شود که موجب توسعه استفاده از حبس گردد. به عنوان یک اصل بدیهی «استناد به فتاوی معتبر در امور کیفری نباید به گونه ای باشد که موجب توسعه دامنه حکم شود.» (حبیبزاده، آقایی و درویشزاده، ۱۴۰۳: ۱۰۳ و ۱۰۴) مرحوم آیت الله شاهرودی نیز به کارگیری زندان در سطح وسیع را، کپی برداری از غرب دانسته و به کاربردن و دادن حکم زندان را در بسیاری از موارد که امکان جایگزین مناسب برای آن وجود دارد، با فلسفه مجازات ها و کیفرها در اسلام ناسازگار می دانست. (پورهاشمی، ۱۳۸۳: ۱۴۰) بر اساس مطالب مذکور، فقه اسلامی با تکیه بر مبانی ای همچون کرامت انسانی، عدالت اصلاح محور، و اجتناب از تحمیل آثار ثانویه حبس، استفاده از زندان را به عنوان آخرین ابزار کنترل اجتماعی تلقی کرده و در موارد ممکن، مجازات های جایگزین را بر آن ترجیح می دهد.

## ۲-۱-۱- دلایل تأکید فقه بر استفاده محدود از کیفر سالب آزادی

فقه اسلامی با توجه به اهداف اصلاحی، حفظ کرامت انسانی و جلوگیری از آثار منفی زندان، استفاده از آن را به حداقل ممکن کاهش می‌دهد و بر جایگزین‌های مناسب و سازنده تأکید می‌کند. این رویکرد با فلسفه کلی اسلام که بر عدالت، رحمت و اصلاح استوار است، همخوانی کامل دارد (پوره‌اشمی، ۱۳۸۳: ۱۴۰). به‌طور کلی فقه اسلامی به کاهش استفاده از زندان و کیفرهای سالب آزادی تأکید دارد، زیرا اهداف و اصولی که در شریعت اسلام برای مجازات و اصلاح مجرمان در نظر گرفته شده است، با کاربرد گسترده زندان سازگاری کامل ندارد. این تأکید بر چند دلیل اصلی استوار است:

### ۱-۱-۲-۱- هدف اصلاحی و تربیتی مجازات‌ها

در اسلام، هدف اصلی مجازات‌ها، اصلاح و تربیت مجرمان است، نه صرفاً تنبیه یا طرد آن‌ها از جامعه. زندان به‌عنوان یک کیفر سالب آزادی، اگرچه ممکن است در کوتاه‌مدت فرد را از جامعه دور کند، اما لزوماً به اصلاح رفتار و بازگشت فرد به زندگی سالم منجر نمی‌شود. فقه اسلامی ترجیح می‌دهد از روش‌هایی استفاده کند که به بهبود اخلاقی و روحی مجرمان بینجامد (خلیلی، ۱۳۸۹: ۶۹). هر چند زندان‌ها در تئوری به‌عنوان محل اصلاح و بازپروری مجرمان طراحی شده‌اند، اما در عمل به دلیل مشکلاتی مانند کمبود منابع، مدیریت ناکارآمد، ازدحام، و نبود برنامه‌های اصلاحی مؤثر، اغلب به «دانشگاه جرم» تبدیل می‌شوند. در این محیط‌ها، مجرمان با یکدیگر ارتباط برقرار کرده و مهارت‌های جدیدی برای ارتکاب جرم یاد می‌گیرند. علاوه بر این، فقدان برنامه‌های آموزشی و روان‌درمانی، اثرات روانی منفی زندان، و نبود حمایت پس از آزادی، باعث می‌شود زندان به جای اصلاح، به افزایش جرم و بازگشت مجرمان به رفتارهای بزهکارانه منجر شود.

بسیاری از زندان‌ها فاقد برنامه‌های آموزشی، مهارت‌آموزی، و روان‌درمانی مؤثر هستند. برای مثال، در ایران، تنها ۱۰٪ از زندانیان به برنامه‌های آموزشی دسترسی دارند (خلیلی، ۱۳۸۹: ۷۲). بدون این برنامه‌ها، زندانیان فرصتی برای تغییر رفتار خود پیدا نمی‌کنند و پس از آزادی به رفتارهای مجرمانه بازمی‌گردند. ازدحام، خشونت، و فقدان امکانات اولیه در بسیاری از زندان‌ها باعث ایجاد محیطی خشن و غیراصلاحی می‌شود. برای مثال، در زندان‌های برزیل، نرخ خشونت و قتل در میان زندانیان بسیار بالا است، که نشان می‌دهد زندان به جای اصلاح، به محیطی خطرناک تبدیل شده است (Human Rights Watch, 2020). ضعف در برنامه‌های حمایت پس از آزادی نیز یکی از دلایل شکست اصلاح و درمان است. حتی اگر زندانی در طول دوران حبس اصلاح شود، نبود حمایت‌های اجتماعی و اقتصادی پس از آزادی می‌تواند به بازگشت او به جرم منجر شود. برای مثال، در انگلستان، ۴۵٪ از زندانیان به دلیل نداشتن شغل و مسکن پس از آزادی مجدداً مرتکب جرم می‌شوند (Ministry of Justice, 2019).

### ۲-۱-۲-۲- حفظ کرامت انسانی

اسلام به کرامت انسانی اهمیت زیادی می‌دهد و معتقد است که حتی مجرمان نیز از این کرامت برخوردارند. زندان‌های طولانی‌مدت و شرایط سخت زندان ممکن است به کرامت انسانی لطمه وارد کند و فرد را به جای اصلاح، به سمت انزوا و ناامیدی سوق دهد. بنابراین، فقه اسلامی استفاده از زندان را به موارد ضروری محدود می‌کند (وائلی، ۱۳۶۲: ۲۷۳).

در فقه اسلامی، کرامت انسانی به‌عنوان یکی از اصول بنیادین مورد تأکید قرار گرفته است. اسلام به تمامی انسان‌ها، حتی مجرمان، به دیده احترام می‌نگرد و معتقد است که هر فردی به دلیل انسان بودن، از کرامت ذاتی برخوردار است. این کرامت در آیات قرآن و روایات اسلامی به وضوح بیان شده است. برای مثال، در آیه ۷۰ سوره اسراء آمده است: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» (ما فرزندان آدم را کرامت بخشیدیم). با این حال، برخی مجازات‌ها، از جمله زندان، ممکن است به این کرامت انسانی لطمه وارد کنند. در منابع فقهی، این موضوع مورد توجه قرار گرفته است. برای مثال، «آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی» در کتاب «فلسفه اخلاق» به این مسئله اشاره می‌کند: «مجازات‌هایی مانند زندان، اگرچه ممکن است به عنوان ابزاری برای حفظ نظم اجتماعی ضروری باشند، اما باید با احتیاط اعمال شوند تا کرامت انسانی افراد زیر پا گذاشته نشود. زندان‌های طولانی‌مدت و شرایط سخت می‌توانند به جای اصلاح، به تحقیر و تخریب

شخصیت فرد منجر شوند.» (مصباح یزدی، ۱۳۸۵: ۱۵۴). این دیدگاه نشان می‌دهد که فقه اسلامی به دنبال ایجاد تعادل بین حفظ نظم اجتماعی و احترام به کرامت انسانی است. زندان و مجازات‌های سالب آزادی باید به گونه‌ای طراحی شوند که علاوه بر تحقق اهداف اصلاحی و بازدارندگی، کرامت انسانی مجرمان نیز حفظ شود.

### ۳-۲-۱- جلوگیری از آثار منفی زندان

زندان می‌تواند آثار منفی زیادی بر فرد و جامعه داشته باشد، از جمله:

**افزایش احتمال بازگشت به جرم:** زندان‌ها گاه به محیط‌هایی تبدیل می‌شوند که مجرمان در آن‌ها با یکدیگر ارتباط برقرار کرده و ممکن است به جای اصلاح، رفتارهای مجرمانه را تقویت کنند (عوده، ۱۳۸۵: ۷۳۲). مطالعات نشان می‌دهند که نرخ بازگشت به جرم<sup>۸</sup> در بسیاری از کشورها بسیار بالا است. برای مثال، در ایالات متحده، حدود ۶۷٪ از زندانیان طی سه سال پس از آزادی مجدداً مرتکب جرم می‌شوند (Bureau of Justice Statistics, 2018). این آمار نشان می‌دهد که زندان‌ها نتوانسته‌اند به هدف اصلاح مجرمان دست یابند و در عوض، به محیطی برای یادگیری و تقویت رفتارهای مجرمانه تبدیل شده‌اند. همچنین، تحقیقات نشان می‌دهند که زندانیان در زندان با یکدیگر شبکه‌های مجرمانه تشکیل می‌دهند و اطلاعاتی درباره روش‌های ارتکاب جرم، فرار از قانون، و فعالیت‌های غیرقانونی مبادله می‌کنند (Clear et al., 2013: 45). این پدیده به‌ویژه در زندان‌هایی که نظارت کافی وجود ندارد، بیشتر دیده می‌شود.

**تخریب خانواده‌ها:** زندانی شدن سرپرست خانواده می‌تواند به فروپاشی خانواده و مشکلات اجتماعی بیشتر منجر شود (پورهاشمی، ۱۳۸۳: ۱۴۰).

زندان و کیفر حبس با اصل شخصی بودن مجازات‌ها در تعارض است. این نهاد نه تنها بر فرد محکوم، بلکه بر همسر، خانواده و نزدیکان او نیز تأثیرات منفی عمیقی بر جای می‌گذارد. زندان‌ها نه تنها خانواده را از حمایت مالی و سرپرستی محکوم محروم می‌کنند، بلکه در بسیاری از موارد، بار هزینه‌ها به دوش اعضای خانواده، به ویژه زنان و فرزندان، منتقل می‌شود. این افراد مجبورند هزینه‌های جانبی اقامت شوهر یا پدر خود در زندان را تحمل کنند، در حالی که خود هیچ نقشی در ارتکاب جرم نداشته‌اند. همان‌طور که سعدی به زیبایی بیان می‌کند: «گنه بود مرد ستمکاره را - چه تاوان زن و طفل بیچاره را!» این شعر گویای این واقعیت است که مجازات حبس، گاه به جای حل مشکل، دردهای جدیدی برای افراد بی‌گناه ایجاد می‌کند. با توجه به این پیامدهای ناگوار، می‌توان گفت که در برخی موارد، زندان و حبس «دارویی بدتر از درد» است. این نهاد نه تنها به اصلاح مجرم کمک چندانی نمی‌کند، بلکه خانواده‌های بی‌گناه را نیز درگیر مشکلات اقتصادی، اجتماعی و روانی می‌کند. بنابراین، ضروری است که نظام‌های قضایی به دنبال جایگزین‌های مناسب‌تری برای زندان باشند که همزمان با حفظ کرامت انسانی، به اصلاح مجرمان و کاهش آسیب‌های اجتماعی بینجامد.

**هزینه‌های اقتصادی:** مطابق آمار در تمامی نظام‌های عدالت کیفری، نگهداری زندانیان هزینه‌های سنگینی بر جامعه تحمیل می‌کند (خلیلی، ۱۳۸۵: ۸۶). هزینه‌های اقتصادی زندان‌ها در ایران یکی از چالش‌های مهم نظام قضایی و اقتصادی کشور است. این هزینه‌ها شامل هزینه‌های مستقیم نگهداری زندانیان، هزینه‌های زیرساختی، و همچنین هزینه‌های غیرمستقیم ناشی از تأثیرات اجتماعی و اقتصادی زندان‌ها بر جامعه می‌شود.

بر اساس گزارش‌های رسمی، هزینه‌های روزانه نگهداری هر زندانی در ایران به طور متوسط بین ۱۵۰ تا ۲۰۰ هزار تومان برآورد می‌شود (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۰). با توجه به آمار زندانیان در ایران که حدود ۲۰۰ تا ۲۵۰ هزار نفر است، هزینه‌های سالانه نگهداری زندانیان به هزاران میلیارد تومان می‌رسد. ساخت و نگهداری زندان‌ها نیز هزینه‌های سنگینی را به دولت تحمیل می‌کند. برای مثال، ساخت یک زندان با ظرفیت ۱۰۰۰ نفر می‌تواند صدها میلیارد تومان هزینه در بر داشته باشد. علاوه بر این، هزینه‌های مدیریتی، حقوق پرسنل زندان، و تأمین امکانات اولیه مانند غذا، بهداشت، و آموزش نیز بخش قابل توجهی از بودجه کشور را به خود اختصاص می‌دهد. همچنین،

۸- Recidivism Rate

زندان‌ها تأثیرات منفی بر اقتصاد خانواده‌ها به صورت هزینه‌های غیرمستقیم دارند. بسیاری از زندانیان سرپرست خانواده هستند و زندانی شدن آن‌ها باعث می‌شود خانواده‌ها به سمت فقر و مشکلات اقتصادی سوق داده شوند. بر اساس مطالعات انجام شده، بیش از ۵۰٪ از خانواده‌های زندانیان در ایران با مشکلات اقتصادی جدی مواجه هستند و بسیاری از آن‌ها زیر خط فقر زندگی می‌کنند (گزارش سازمان زندان‌ها، ۱۳۹۸). هزینه‌های ناشی از بازگشت به جرم را نیز باید در نظر گرفت. نرخ بازگشت به جرم در ایران حدود ۴۰ تا ۵۰ درصد برآورد می‌شود (گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۹). این به معنای آن است که بسیاری از زندانیان پس از آزادی مجدداً مرتکب جرم می‌شوند و این چرخه هزینه‌های بیشتری را به سیستم قضایی و اقتصادی کشور تحمیل می‌کند. از باب «هزینه‌های فرصت» نیز زندانیان در طول دوران حبس از مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی محروم می‌شوند. این موضوع نه تنها به اقتصاد خانواده‌ها آسیب می‌زند، بلکه به کاهش نیروی کار فعال در کشور نیز منجر می‌شود. بر اساس برآوردها، اگر زندانیان به جای زندان در فعالیت‌های اقتصادی مشارکت داشته باشند، می‌توانند سالانه هزاران میلیارد تومان به تولید ناخالص داخلی (GDP) کشور کمک کنند (گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۹).  
فقه اسلامی جهت جلوگیری از آثار منفی کیفر سالب آزادی، استفاده از مجازات‌های جایگزین مانند جریمه نقدی، تازیانه (در موارد خاص)، تبعید یا خدمات عمومی را ترجیح می‌دهد. این مجازات‌ها می‌توانند بدون محروم کردن فرد از آزادی، اثر بازدارندگی و اصلاحی داشته باشند. برای مثال، در موارد جرایم کوچک، جریمه نقدی یا خدمات عمومی می‌تواند به جای زندان استفاده شود (عده، ۱۳۸۵: ۷۳۲).

#### ۴-۲-۱-۱- همسویی با اهداف اجتماعی و تاریخچه استفاده محدود از زندان اسلام

اسلام به دنبال ایجاد جامعه‌ای سالم و پایدار است که در آن افراد به سمت صلاح و تقوا گرایش پیدا کنند. استفاده بیش از حد از زندان ممکن است به ایجاد جامعه‌ای سرکوب‌گر و ناعادلانه بینجامد، در حالی که اسلام به عدالت، رحمت و اصلاح تأکید دارد (وائلی، ۱۳۶۲: ۲۷۳).

در تاریخ اسلام نیز استفاده از زندان به عنوان مجازات اصلی مرسوم نبوده است. برای مثال، در زمان امام علی (ع) تعداد زندانیان بسیار کم بود و زندان بیشتر به عنوان یک اقدام موقت و ضروری برای افراد خطرناک استفاده می‌شد. این رویکرد نشان می‌دهد که اسلام زندان را به عنوان آخرین راه‌حل در نظر می‌گیرد (خلیلی، ۱۳۹۹: ۸۶). هرچند بنابر نظر مشهور فقها مصداق تعزیر منحصر در شلاق نیست، حبس در اندیشه دینی عموماً یک مجازات اصلی محسوب نمی‌شود؛ بلکه به عنوان یکی از مصادیق تعزیر، اقدامی تأمینی و تربیتی است و بیشتر جنبه اصلاح، بازدارندگی و پیشگیری از وقوع مجدد جرم را دارد. در مواردی نیز که حبس به عنوان مجازات به کار رفته است به عنوان یک ضرورت مطرح بوده و اساساً با منطبق اسلام که سعی در پرورش روحی و روانی افراد جامعه دارد، همخوانی ندارد. کاربردگرایی حبس به عنوان وسیله‌ای برای دور نگه داشتن خطر برخی افراد از جامعه در نظام فقهی اسلام به خوبی مشاهده می‌شود. به کارگیری زندان در سطح وسیع کپی‌برداری از سیستم اعمال مجازات غربی و به کار بردن و دادن حکم زندان در بسیاری از موارد که امکان جایگزین مناسب برای آن وجود دارد، با فلسفه مجازات‌ها و کیفرها در اسلام ناسازگار است. مبنای استفاده از کیفر سالب آزادی، ضرورت حفاظت از جامعه در برابر مجرمان خطرناک در هنگام وقوع جرم شدید؛ و به تعبیری دیگر، مصلحت جامعه است که این مصلحت فلسفه و مبنای مجازات در اسلام است. استفاده از زندان به عنوان «آخرین حربه» و توسل به مجازات‌های اجتماعی جایگزین در سطح گسترده نه فقط امنیت جامعه را تضمین می‌کند، بلکه ضمن رعایت الزامات ناظر به حقوق بشر و کرامت انسانی، هزینه عدالت کیفری را به نحو چشمگیری کاهش می‌دهد. (توجهی و ابراهیم‌وند، ۱۳۹۴: ۵۰۹) فلذا، استفاده محدود از مجازات حبس در رویکرد فقهی، هم با اهداف اجتماعی در جامعه اسلامی و هم با تاریخچه استفاده از حبس در اسلام، همسویی دارد.

## ۱-۲- مبانی کاهش به‌کارگیری کیفر سالب آزادی در فلسفه حقوق غربی و اسناد بین‌المللی

کاهش به‌کارگیری کیفر سالب آزادی، در فلسفه حقوق غربی بر پایه چندین مبانی نظری و عملی استوار است. این مبانی ریشه در تحولات فکری، اجتماعی، و حقوقی غرب دارد و هدف آن کاهش آسیب‌های ناشی از زندان و افزایش اثربخشی نظام عدالت کیفری است. در ادامه به مهم‌ترین این مبانی اشاره می‌شود.

### ۱-۲-۱- مبانی فلسفی تحدید کاربست حبس در فلسفه حقوق غربی

کاهش به‌کارگیری کیفر سالب آزادی، در فلسفه حقوق غربی بر پایه چندین مبانی نظری و عملی استوار است که ریشه در تحولات فکری، اجتماعی، و حقوقی غرب دارد. این مبانی را می‌توان در سه دسته کلی جای داد: نخست، مبانی اخلاقی و فلسفی مانند تأکید بر کرامت انسانی؛ دوم، مبانی کارکردی مانند ناکارآمدی زندان در اصلاح مجرمان؛ و سوم، مبانی اجتماعی و اقتصادی نظیر آثار منفی زندان بر خانواده و هزینه‌های بالای آن.

یکی از مهم‌ترین این مبانی، حقوق بشر و کرامت انسانی است. در فلسفه حقوق غربی، کرامت انسانی به عنوان یک اصل بنیادین مورد تأکید قرار گرفته است، و زندان به عنوان یک کیفر سالب آزادی ممکن است به این کرامت لطمه بزند و شرایطی ایجاد کند که با حقوق اولیه افراد، مانند حق آزادی و حق برخورداری از زندگی مناسب، در تعارض باشد. اندیشمندانی مانند ایمانوئل کانت بر این باورند که انسان‌ها باید به عنوان غایت در نظر گرفته شوند، نه به عنوان ابزار، و بنابراین مجازات‌ها باید به گونه‌ای طراحی شوند که کرامت انسانی را حفظ کنند (Kant, 1785: 45). بر اساس آموزه‌های کانت، انسان باید غایت فی‌نفسه باشد نه ابزار، و این اصل ایجاب می‌کند که کیفر با شأن انسان هماهنگ باشد. از این منظر، حبس طولانی‌مدت یا غیر ضروری که با کرامت فرد در تضاد است، در نظام اخلاقی کانتی توجیه‌پذیر نیست.

همچنین، فلسفه حقوق غربی بر اصل فردی کردن مجازات‌ها تأکید دارد. این اصل بیان می‌کند که مجازات باید متناسب با شرایط فردی مجرم، نوع جرم، و زمینه‌های ارتکاب آن باشد. زندان به عنوان یک مجازات یک‌سان برای همه مجرمان، ممکن است با این اصل در تعارض باشد، زیرا نیازها و شرایط هر فرد را نادیده می‌گیرد. به جای زندان، مجازات‌های جایگزین مانند خدمات عمومی یا برنامه‌های اصلاحی می‌توانند بهتر با این اصل هماهنگ شوند (Garland, 2001: 123). انتقاد از کارایی زندان نیز یکی دیگر از مبانی کاهش به‌کارگیری کیفر سالب آزادی است.

مطالعات نشان داده‌اند که زندان‌ها اغلب در کاهش جرم و اصلاح مجرمان چندان موفق نیستند. نرخ بازگشت به جرم در بسیاری از کشورهای غربی بالا است، که نشان می‌دهد زندان نتوانسته به اهداف اصلاحی خود دست یابد. اندیشمندانی مانند میشل فوکو در کتاب مراقبت و تنبیه به نقد سیستم زندان‌ها پرداخته‌اند و معتقدند که زندان‌ها بیشتر به عنوان ابزار کنترل اجتماعی عمل می‌کنند تا نهادهای اصلاحی (Foucault, 1977: 267). هزینه‌های اقتصادی زندان نیز یکی از دلایل مهم برای کاهش به‌کارگیری کیفر سالب آزادی است. زندان‌ها هزینه‌های سنگینی بر دولت و جامعه تحمیل می‌کنند، از جمله هزینه‌های نگهداری زندانیان، ساخت و نگهداری زندان‌ها، و هزینه‌های غیرمستقیم ناشی از محرومیت جامعه از نیروی کار. در فلسفه حقوق غربی، کاهش این هزینه‌ها و تخصیص منابع به برنامه‌های پیشگیرانه و اصلاحی به عنوان یک اولویت در نظر گرفته می‌شود (Clear et al., 2013: 89).

در کنار مبانی کلاسیک مبتنی بر حقوق بشر، رویکردهای نوینی مانند عدالت ترمیمی نیز بر کاهش استفاده از زندان تأکید دارند. این رویکرد، بر مشارکت فعال مجرم، بزه‌دیده و جامعه تمرکز دارد و به‌جای مجازات، بر جبران، اصلاح و بازگشت مجرم به زندگی اجتماعی تأکید می‌کند. علاوه بر این، فلسفه عدالت ترمیمی (Restorative Justice) بر حل تعارضات از طریق مشارکت مجرم، قربانی، و جامعه تأکید دارد. این رویکرد به جای مجازات‌های سخت مانند زندان، به دنبال جبران خسارت، اصلاح رابطه‌ها، و بازگرداندن مجرم به جامعه است. برنامه‌هایی مانند میانجی‌گری، خدمات عمومی، و جبران خسارت به قربانیان، جایگزین‌های مناسبی برای زندان در این رویکرد هستند (Braithwaite, 1989: 54). تأثیرات منفی زندان بر جامعه و خانواده نیز از دیگر مبانی کاهش به‌کارگیری کیفر سالب آزادی

است. زندان نه تنها بر فرد مجرم، بلکه بر خانواده و جامعه نیز تأثیرات منفی دارد. زندانی شدن سرپرست خانواده می‌تواند به فروپاشی خانواده، فقر، و مشکلات اجتماعی منجر شود. در فلسفه حقوق غربی، کاهش این تأثیرات منفی به عنوان یک هدف مهم در نظر گرفته می‌شود (Travis et al., 2014: 112). در نهایت، تأکید بر پیشگیری و اصلاح به جای تنبیه نیز یکی از مبانی کاهش به‌کارگیری کیفر سالب آزادی است. در فلسفه حقوق غربی، رویکردهای پیشگیرانه و اصلاحی به جای تنبیه محض مورد تأکید قرار گرفته‌اند. برنامه‌هایی مانند آموزش، مشاوره، و درمان اعتیاد می‌توانند به کاهش جرم و اصلاح مجرمان کمک کنند. (Tonry, 2011: 76). این رویکردها نه تنها هزینه‌های نظام عدالت کیفری را کاهش می‌دهند، بلکه به ایجاد جامعه‌ای امن‌تر و سالم‌تر نیز کمک می‌کنند.

در مجموع، فلسفه حقوق غربی با اتکا به اصول اخلاقی، شواهد تجربی و ملاحظات اجتماعی، رویکردی کاهش‌ی نسبت به مجازات حبس اتخاذ کرده و به دنبال طراحی مجازات‌هایی است که با کرامت انسانی، عدالت فردی و بااجتماعی شدن مجرم سازگارتر باشند.

## ۲-۱-۲-۱- تعیین کاربست حبس در اسناد بین‌المللی

اسناد بین‌المللی در سه محور عمده بر کاهش مجازات حبس تأکید دارند: نخست، اصول بنیادینی مانند اصل تناسب و حداقل مداخله؛ دوم، حمایت ویژه از گروه‌های آسیب‌پذیر نظیر کودکان؛ و سوم، تشویق دولت‌ها به استفاده از جایگزین‌های غیر سالب آزادی. در میان مجموعه اسناد الزام‌آور و ارشادی سازمان ملل متحد، در برخی از اسناد مانند قواعد حداقل استاندارد رفتار با زندانیان مصوب ۱۹۵۵، میثاق حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶، کنوانسیون حقوق کودک، کنوانسیون منع شکنجه و نیز در برخی از اسناد منطقه‌ای مثل کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، صراحتاً مواضع روشنی در خصوص لزوم تعدیل قلمروهای حقوق کیفری در جامعه و رعایت اصل حداقل مداخله‌ی حقوق جزا در مرحله‌ی تنظیم و قاعده‌مندسازی تعاملات اجتماعی دیده می‌شود که همگی بر قواعدی مثل کاهش‌ی سازی سیاست‌های کیفری انعکاسی در قوانین جزایی تأکید دارند. مسائلی مانند لزوم انعطاف‌پذیری نصوص جزایی و امکان مطابق سازی آن‌ها با شرایط زمانی و مکانی مختلف و پرهیز از یکسان‌نگری به طیف‌های مختلف مجرمین و همچنین حذف مقررات و نهادهایی که در گذر زمان قابلیت خود را از دست داده و قادر به جلب رضایت افکار عمومی نیستند، از جمله متغیرهای مورد تأکید در اسناد مذکور می‌باشند که همگی در قوانین کیفری که مدعی تعدیل‌گرایی و توجه به حقوق بشر و اصول رفتار جامعه‌مند با طیف‌های مختلف مجرمان هستند، باید دارای جایگاه روشنی باشند تا بتوان این قوانین را همسو با رویکرد سیاست جنایی سازمان ملل نامید.

«اریک هوارد» حقوقدان انگلیسی معتقد است قوانینی که مدعی تلاش برای نهادینه سازی اصل حداقل مداخله‌ی حقوق جزایی در جامعه هستند، زمانی می‌توانند در این مسیر موفق باشند که به قدر کافی به سیاست‌هایی مثل جرم‌زدایی، قضازدایی و کیفرزدایی، آنگونه که در سیاست جنایی سازمان ملل مورد اشاره و تأکید است، توجه داشته باشند. به گفته‌ی وی، منطق عمومی اغلب اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی به سوی یک فرهنگ حقوقی-جنایی میل می‌کند که انعطاف‌پذیری، انسان‌مداری، پرهیز از مجازات‌های سخت و خشن و تلاش برای عدم تبعید همه‌جانبه‌ی محکومان در محیط زندان‌ها، از جمله شاخص‌های بارز آن است. (Karen & other, 2016: 22) در مقدمه و مواد مختلف قواعد حداقل استاندارد رفتار با زندانیان، صراحتاً اشاره شده است که مجازاتی چون حبس زمانی می‌تواند در مسیر تحقق اهداف سنتی حقوق جزا، مثل تضمین نظم و امنیت و به‌سازی رفتاری زندانیان و کاهش نرخ تکرار جرم، ایفای نقش کند که متناسب با شرایط و درجات تغییر رفتاری محکومان در ایام حبس قابل دخل و تصرف، تقلیل و تعدیل باشد. این سند رسماً از مؤلفه‌های تفریغ‌گر اصل حبس‌زدایی حمایت کرده و آن را یکی از استراتژی‌های اصلی در سیاست جنایی سازمان ملل در معرفی و توصیه به بکارگیری مقررات تعدیلی معرفی می‌نماید.

در کنوانسیون منع شکنجه و رفتارهای غیرانسانی<sup>۹</sup>، که در سال ۱۹۸۴ توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسید، بر این نکته تأکید شده است که چنانچه اجرای یک مجازات یا شیوه‌های کلی اجرای مجازات‌ها با حقوق بنیادین و اساسی بشر در

9- Convention against Torture and Other Cruel, Inhuman or Degrading Treatment or Punishment

تعارض باشند، لازم است که دستگاه‌های قانون‌گذاری در جوامع مختلف برای کنترل و تعدیل آن‌ها اقدام نمایند. این کنوانسیون، که به عنوان یکی از اسناد بین‌المللی مهم در زمینه حقوق بشر شناخته می‌شود، بر لزوم احترام به کرامت انسانی و جلوگیری از هرگونه رفتار غیرانسانی یا تحقیرآمیز تأکید می‌کند (United Nations, 1984: Article 16). فحواي کلام چنین اسنادی، چه به صورت مستقیم و چه ضمنی، بر لزوم و کارایی قوانین جزایی کاهشی، تعدیلی و جامعه‌مدار تأکید دارد. این اسناد از جوامع می‌خواهند که در رویکردهای سرکوبگر و افراطی مجازات‌ها بازنگری کنند و به جای آن، سیاست‌های جنایی انسان‌مدار را به عنوان یکی از ارکان سازنده‌ی نظام عدالت کیفری در نظر بگیرند. این رویکردها نه تنها به کاهش آسیب‌های ناشی از مجازات‌های شدید کمک می‌کنند، بلکه به حفظ حقوق بنیادین بشر و تقویت عدالت اجتماعی نیز یاری می‌رسانند (Nowak, 2005: 45). به طور خاص، کنوانسیون منع شکنجه و سایر اسناد بین‌المللی مرتبط، بر این موضوع تأکید دارند که مجازات‌ها باید متناسب با جرم باشند و از اعمال مجازات‌های غیرضروری یا افراطی که به کرامت انسانی لطمه می‌زند، اجتناب شود. (Rodley, 2009: 112). این اسناد همچنین بر لزوم استفاده از مجازات‌های جایگزین زندان، مانند خدمات عمومی، برنامه‌های اصلاحی، و سایر روش‌های جامعه‌مدار، تأکید کرده‌اند.

## ۲- رویکرد نظام عدالت کیفری ایران در کاربست کیفر سالب آزادی

هرچند از بدو تقنین قوانین کیفری ایران و همچنین در شرایط کنونی، کیفر حبس به عنوان مجازات بسیاری از جرایم تعیین شده است و این میزان از استفاده از حبس تا حدی افراطی است؛ به نحوی که ترکیب مجازات‌های موجود در قوانین کیفری ایران، به‌ویژه در دهه‌های گذشته، عمدتاً حول سه‌گانه‌ی حبس، شلاق، و جزای نقدی متمرکز بوده است؛ که این امر نشان از اولویت‌دهی قانونگذار به مجازات‌های سالب آزادی و تنبیهی دارد. با این حال رویکرد نظام عدالت کیفری ایران در کاربست کیفر سالب آزادی، در سال‌های اخیر با تحولاتی همراه بوده است. اگرچه زندان به عنوان یکی از مجازات‌های اصلی در قوانین کیفری ایران مورد استفاده قرار می‌گیرد، نگرانی‌های فزاینده درباره تأثیرات منفی زندان‌ها، از جمله هزینه‌های اقتصادی، اجتماعی، و انسانی، باعث شده است که قانونگذاران به دنبال کاهش استفاده از این مجازات باشند. یکی از مهم‌ترین اقدامات در این زمینه، تصویب قانون کاهش حبس تعزیری در سال ۱۳۹۹ است. این قانون با هدف کاهش جمعیت زندان‌ها، کاهش فشار بر سیستم قضایی و زندان‌ها، و تأکید بر مجازات‌های جایگزین زندان، مانند جریمه نقدی، خدمات عمومی، و برنامه‌های اصلاحی، طراحی شده است (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۹: ۱۲). دلایل تقنین قانون کاهش حبس تعزیری شامل کاهش هزینه‌های اقتصادی ناشی از نگهداری زندانیان، حفظ کرامت انسانی، و کاهش تأثیرات منفی زندان بر خانواده‌ها و جامعه بوده است. با این حال، دلایل اصلی تقنین قانون کاهش حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ عمدتاً بر دو محور اصلی استوار است: کاهش هزینه‌های اقتصادی ناشی از نگهداری زندانیان و مدیریت جمعیت سرسام‌آور زندان‌ها. این قانون با هدف کاهش فشار بر سیستم قضایی و زندان‌ها و همچنین کاهش هزینه‌های سنگین نگهداری زندانیان تصویب شد. بر اساس گزارش‌های رسمی، هزینه‌های روزانه نگهداری هر زندانی در ایران به طور متوسط بین ۱۵۰ تا ۲۰۰ هزار تومان برآورد می‌شود (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۰: ۴۵). با توجه به جمعیت زندانیان که در سال‌های اخیر به حدود ۲۰۰ تا ۲۵۰ هزار نفر رسیده است، هزینه‌های سالانه نگهداری زندانیان به هزاران میلیارد تومان می‌رسد. این هزینه‌ها شامل تأمین غذا، بهداشت، امکانات اولیه، و حقوق پرسنل زندان‌ها می‌شود. علاوه بر این، هزینه‌های غیرمستقیم ناشی از زندانی شدن افراد، مانند کاهش نیروی کار فعال و تأثیرات منفی بر اقتصاد خانواده‌ها، نیز باید در نظر گرفته شود. بسیاری از زندانیان سرپرست خانواده هستند، و زندانی شدن آن‌ها باعث می‌شود خانواده‌ها به سمت فقر و مشکلات اقتصادی سوق داده شوند. بر اساس مطالعات انجام‌شده، بیش از ۵۰٪ از خانواده‌های زندانیان در ایران با مشکلات اقتصادی جدی مواجه هستند (گزارش سازمان زندان‌ها، ۱۳۹۸: ۲۳).

جمعیت زندان‌های ایران در سال‌های اخیر به طور قابل توجهی افزایش یافته است، به گونه‌ای که بسیاری از زندان‌ها با مشکل ازدحام بیش از حد (Overcrowding) مواجه هستند. این تراکم در سال‌های قبل از تصویب این قانون بیشتر بود. بر اساس گزارش‌های رسمی، ظرفیت زندان‌های ایران برای حدود ۱۸۰ هزار زندانی طراحی شده است، در حالی که جمعیت زندانیان در برخی دوره‌ها به

بیش از ۲۵۰ هزار نفر رسیده بود (گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۹: ۱۲). این ازدحام باعث شده است که شرایط زندگی در زندان‌ها به شدت کاهش یابد، به گونه‌ای که حتی جای خوابیدن برای زندانیان کم بوده است. ازدحام زندان‌ها نه تنها به شرایط نامناسب زندگی زندانیان منجر می‌شود، بلکه باعث افزایش خشونت، شیوع بیماری‌ها، و کاهش اثربخشی برنامه‌های اصلاحی نیز می‌شود. این شرایط، زندان‌ها را به محیط‌هایی ناامن و غیرانسانی تبدیل کرده است که به جای اصلاح مجرمان، ممکن است به افزایش رفتارهای مجرمانه منجر شود.

قانون کاهش حبس تعزیری با کاهش مدت حبس برای برخی جرایم تعزیری و استفاده از مجازات‌های جایگزین، به دنبال کاهش جمعیت زندان‌ها و بهبود شرایط زندگی در آن‌ها است. این قانون با آزادسازی زندانیان کم‌خطر و جایگزینی مجازات‌های غیرحبسی، به کاهش ازدحام زندان‌ها و بهبود مدیریت آن‌ها کمک می‌کند. بر اساس مطالعات بین‌المللی، کاهش جمعیت زندان‌ها و استفاده از مجازات‌های جایگزین می‌تواند به کاهش نرخ بازگشت به جرم کمک کند. برای مثال، در کشورهایی مانند نروژ و سوئد، که از مجازات‌های جایگزین زندان به طور گسترده استفاده می‌کنند، نرخ بازگشت به جرم به طور قابل توجهی پایین‌تر از کشورهای است که به زندان به عنوان مجازات اصلی متکی هستند (Tonry, 2011: 76). علاوه بر این، تحقیقات نشان می‌دهند که زندان‌های شلوغ و نامناسب نه تنها به اصلاح مجرمان کمک نمی‌کنند، بلکه ممکن است به افزایش رفتارهای مجرمانه منجر شوند. برای مثال، مطالعه‌ای که توسط کلر و همکاران در سال (۲۰۱۳) انجام شد، نشان داد که زندانیان در زندان‌های شلوغ بیشتر در معرض یادگیری رفتارهای مجرمانه از سایر زندانیان قرار می‌گیرند (Clear et al., 2013: 89). این یافته‌ها تأکید می‌کنند که کاهش جمعیت زندان‌ها و بهبود شرایط زندگی در آن‌ها می‌تواند به اصلاح مؤثرتر مجرمان و کاهش نرخ بازگشت به جرم کمک کند.

در کنار این دلایل، قانون کاهش حبس تعزیری با اهداف کلی نظام عدالت کیفری ایران نیز همسو است. این قانون به دنبال کاهش تأثیرات منفی زندان بر خانواده‌ها و جامعه، حفظ کرامت انسانی، و افزایش اثربخشی مجازات‌ها است. با این حال، اجرای مؤثر این قانون نیازمند توسعه زیرساخت‌های لازم، مانند برنامه‌های آموزشی، مراکز خدمات عمومی، و سیستم نظارتی قوی است. برای مثال، در کشورهایی مانند آلمان و هلند، که از مجازات‌های جایگزین زندان به طور موفقیت‌آمیزی استفاده می‌کنند، زیرساخت‌های لازم برای اجرای این برنامه‌ها به دقت طراحی و اجرا شده‌اند (Van Zyl Smit & Snacken, 2009: 112). در نتیجه، دلایل تقنین قانون کاهش حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ عمدتاً بر کاهش هزینه‌های اقتصادی ناشی از نگهداری زندانیان و مدیریت جمعیت سرسام‌آور زندان‌ها متمرکز است. این قانون با کاهش مدت حبس و استفاده از مجازات‌های جایگزین، به دنبال کاهش بار مالی دولت، بهبود شرایط زندگی در زندان‌ها، و کاهش تأثیرات منفی زندان بر خانواده‌ها و جامعه است. با این حال، اجرای مؤثر این قانون نیازمند توسعه زیرساخت‌های لازم و افزایش آگاهی عمومی درباره مزایای مجازات‌های جایگزین است.

قانون کاهش حبس تعزیری بر کاهش مدت حبس برای برخی جرایم تعزیری، استفاده از مجازات‌های جایگزین، اعطای تخفیف در مجازات برای زندانیان با رفتار خوب، و توجه به شرایط فردی مجرمان تأکید دارد. با این حال، اجرای این قانون با چالش‌هایی مواجه است. یکی از مهم‌ترین این چالش‌ها، عدم وجود زیرساخت‌های لازم برای اجرای مؤثر مجازات‌های جایگزین است. برای مثال، برنامه‌های آموزشی، مراکز خدمات عمومی، و سیستم نظارتی قوی به اندازه کافی توسعه نیافته‌اند (خلیلی، ۱۳۹۹: ۷۸). همچنین، ابهام در تعیین مجازات‌های جایگزین ممکن است به نابرابری در اجرای قانون منجر شود. برخی قضات به دلیل نبود دستورالعمل‌های دقیق، در تعیین مجازات‌های جایگزین با مشکل مواجه هستند. علاوه بر این، مقاومت فرهنگی و اجتماعی نسبت به کاهش مجازات‌های زندان نیز یکی از موانع اجرای این قانون است. زندان به عنوان یک مجازات سنتی و بازدارنده در نظر گرفته می‌شود، و برخی از جامعه و قضات ممکن است نسبت به کاهش آن مقاومت نشان دهند (پورهاشمی، ۱۳۸۳: ۱۴۰). ایراد دیگر این قانون، عدم پوشش همه جرایم است. قانون کاهش حبس تعزیری تنها برای برخی جرایم تعزیری اعمال می‌شود و جرایم مهم‌تر را پوشش نمی‌دهد، که ممکن است باعث ناکارآمدی آن در کاهش کلی جمعیت زندان‌ها شود. برای دستیابی به اهداف این قانون، نیاز به اصلاحات بیشتر در نظام قضایی و افزایش آگاهی عمومی درباره مزایای مجازات‌های جایگزین وجود دارد (عوده، ۱۳۸۵: ۷۳۲). با این همه، در کنار این چالش‌ها، اغلب

اندیشمندان حقوقی بر این باورند که کاهش استفاده از زندان باید با برنامه‌های جامع پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمان همراه باشد. چنانچه گذشت، آیت‌الله شاهرودی معتقد بود که استفاده گسترده از زندان، تقلیدی از نظام‌های غربی است و با فلسفه مجازات‌ها در اسلام، که بر عدالت، رحمت، و اصلاح استوار است، ناسازگار می‌باشد (پورهاشمی، ۱۳۸۳: ۱۴۰). نگاه آیت‌الله شاهرودی به‌عنوان رئیس قوه قضائیه وقت، که بر اصالت اصلاح و بازپروری تأکید دارد، مبنای برخی تغییرات در رویه‌های قضایی دهه ۸۰ شمسی بود و می‌تواند همچنان به‌عنوان مبنای فقهی تقویت جایگزین‌های حبس مطرح باشد. در نتیجه، رویکرد نظام عدالت کیفری ایران در کاربست کیفر سالب آزادی در سال‌های اخیر به سمت کاهش استفاده از زندان و جایگزینی آن با مجازات‌های جامعه‌مدار حرکت کرده است. قانون کاهش حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ یکی از مهم‌ترین اقدامات در این زمینه است که با هدف کاهش جمعیت زندان‌ها، حفظ کرامت انسانی، و کاهش هزینه‌های اقتصادی طراحی شده است. با این حال، چالش‌هایی مانند نبود زیرساخت‌های لازم، ابهام در تعیین مجازات‌های جایگزین، و مقاومت فرهنگی ممکن است اجرای مؤثر این قانون را با مشکل مواجه کند. برای دستیابی به اهداف این قانون، نیاز به اصلاحات بیشتر در نظام قضایی و افزایش آگاهی عمومی درباره مزایای مجازات‌های جایگزین وجود دارد.

با وجود پیشرفت‌های تقنینی در راستای حبس‌زدایی، اجرای مؤثر این سیاست مستلزم رفع موانعی چون نبود زیرساخت‌های لازم، ضعف آگاهی عمومی، و محدودیت اختیارات قضات در تعیین مجازات‌های جایگزین است. در غیر این صورت، اهداف قانون کاهش حبس تعزیری به‌طور کامل محقق نخواهد شد.

### ۳- رویکرد نظام عدالت کیفری آمریکا در کاربست کیفر سالب آزادی

رویکرد نظام عدالت کیفری آمریکا نیز در کاربست کیفر سالب آزادی در سال‌های اخیر دستخوش تحولات قابل توجهی شده است. این تحولات عمدتاً در پاسخ به نگرانی‌های فزاینده درباره هزینه‌های اقتصادی، اجتماعی، و انسانی ناشی از زندان‌ها و همچنین انتقادات نسبت به ناکارآمدی سیستم زندان‌ها در کاهش جرم و اصلاح مجرمان صورت گرفته است. یکی از مهم‌ترین اقدامات در این زمینه، تصویب قانون اصلاحات عدالت کیفری (موسوم به قانون قدم اول)<sup>۱۰</sup> در سال ۲۰۱۸ است. این قانون با هدف کاهش جمعیت زندان‌های فدرال، بهبود شرایط زندگی زندانیان، و افزایش استفاده از مجازات‌های جایگزین زندان طراحی شده است. در ادامه، بعد از ذکر پیشینه کاربست حبس در نظام عدالت کیفری آمریکا، به رویکرد نظام عدالت کیفری آمریکا نسبت به کیفر سالب آزادی و تأثیرات قانون اصلاحات عدالت کیفری بررسی می‌شود.

#### ۳-۱- پیشینه کاربست حبس در نظام عدالت کیفری آمریکا

استفاده از زندان در آمریکا در دهه‌های اخیر به شکل افراطی و گسترده‌ای صورت گرفته است، به‌گونه‌ای که این کشور را به یکی از بالاترین نرخ‌های زندانی شدن در جهان تبدیل کرده است. بر اساس گزارش‌های رسمی، جمعیت زندان‌های آمریکا از حدود ۵۰۰ هزار نفر در سال ۱۹۸۰ به بیش از ۲/۳ میلیون نفر در سال ۲۰۰۸ رسید (Bureau of Justice Statistics, 2009: 12). این افزایش چشمگیر جمعیت زندان‌ها ناشی از سیاست‌های کیفری سخت‌گیرانه‌ای بود که در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ تحت عنوان «جنگ با مواد مخدر»<sup>۱۱</sup> و «جنگ با جرم»<sup>۱۲</sup> اجرا شدند. این سیاست‌ها شامل قوانینی مانند «قانون حداقل مجازات اجباری»<sup>۱۳</sup> و «قانون سه ضربه»<sup>۱۴</sup> بودند که به قضات اجازه می‌دادند مجرمان را حتی برای جرایم غیرخشونت‌آمیز به حبس‌های طولانی مدت محکوم کنند.

بر اساس گزارش‌ها، قانون حداقل مجازات اجباری باعث شد که بسیاری از مجرمان، به ویژه مجرمان مواد مخدر، به حبس‌های طولانی مدت محکوم شوند. برای مثال، در سال ۱۹۸۶، قانون ضد سوءاستفاده از مواد مخدر<sup>۱۵</sup> تصویب شد که حداقل مجازات ۵ سال

- 10- First Step Act
- 11- War on Drugs
- 12- War on Crime
- 13- Mandatory Minimum Sentences
- 14- Three Strikes Law
- 15- Anti-Drug Abuse Act

زندانیان را برای حمل حتی مقادیر کم مواد مخدر تعیین کرد (Alexander, 2010: 56). این قانون به طور نامتناسبی بر جوامع رنگین پوست، به ویژه جامعه آفریقایی آمریکایی، تأثیر گذاشت. بر اساس مطالعات انجام شده، آفریقایی آمریکایی‌ها با وجود اینکه تنها ۱۳٪ از جمعیت آمریکا را تشکیل می‌دهند، حدود ۴۰٪ از زندانیان فدرال را شامل می‌شوند (NAACP, 2020: 23). قانون سه ضربه نیز یکی دیگر از سیاست‌های کیفری سخت‌گیرانه بود که در دهه ۱۹۹۰ در بسیاری از ایالت‌ها تصویب شد. این قانون به قضات اجازه می‌داد که مجرمانی که برای سومین بار مرتکب جرم می‌شدند را به حبس ابد محکوم کنند، حتی اگر جرایم آن‌ها غیرخشونت‌آمیز بودند. برای مثال، در کالیفرنیا، یک مرد به نام «گرگ تیلور»<sup>۱۶</sup> به دلیل سرقت یک پیتزا به حبس ابد محکوم شد (The Sentencing Project, 2015: 34). برخی از فیلم‌های پرطرفدار هالیوود (مانند «مسیر سبز» و «رهایی از شائوشنگ») انتقادی صریح به نظام عدالت کیفری حبس‌محور آمریکا داشتند. این سیاست‌های کیفری سخت‌گیرانه نه تنها باعث افزایش جمعیت زندانیان شدند، بلکه هزینه‌های اقتصادی سنگینی نیز بر دولت تحمیل کردند. بر اساس گزارش‌های نهادهای رسمی فدرال، هزینه سالانه نگهداری هر زندانی ۳۱۰۰۰ دلار اعلام شده است و در سال ۲۰۱۸ هزینه‌های سالانه نگهداری زندانیان در آمریکا به ۸۰ میلیارد دلار رسید (Pew Charitable Trusts, 2018: 12). علاوه بر این، این سیاست‌ها تأثیرات منفی گسترده‌ای بر خانواده‌ها و جوامع داشتند. بسیاری از زندانیان سرپرست خانواده بودند، و زندانی شدن آن‌ها باعث شد که خانواده‌های آن‌ها به سمت فقر و مشکلات اقتصادی سوق داده شوند. بر اساس مطالعات انجام شده، بیش از پنجاه درصد از خانواده‌های زندانیان در آمریکا با مشکلات اقتصادی جدی مواجه هستند (Western & Pettit, 2010: 45). در نتیجه، استفاده افراطی از زندان در آمریکا در دهه‌های اخیر باعث افزایش چشمگیر جمعیت زندانیان، افزایش هزینه‌های اقتصادی، و تأثیرات منفی گسترده بر خانواده‌ها و جوامع شد. این سیاست‌های کیفری سخت‌گیرانه نه تنها نتوانستند به کاهش جرم کمک کنند، بلکه باعث افزایش نرخ بازگشت به جرم نیز شدند. بر اساس گزارش‌ها، نرخ بازگشت به جرم در آمریکا حدود ۶۷٪ است (Bureau of Justice Statistics, 2018: 45). این یافته‌ها نشان می‌دهند که استفاده افراطی از زندان نه تنها ناکارآمد است، بلکه می‌تواند به افزایش مشکلات اجتماعی و اقتصادی منجر شود.

### ۲-۳- رویکرد نظام فدرال

نظام عدالت کیفری فدرال آمریکا به طور سنتی بر مجازات‌های سالب آزادی، به ویژه حبس‌های طولانی‌مدت، تأکید داشته است. این رویکرد ریشه در قوانین کیفری دارد که زندان را به عنوان یکی از مجازات‌های اصلی برای جرایم مختلف در نظر گرفته‌اند. با این حال، در دهه‌های اخیر، انتقادات نسبت به کارایی زندان و تأثیرات منفی آن افزایش یافته است. عمده این انتقادات شامل موارد زیر بود:

**هزینه‌های اقتصادی:** نگهداری زندانیان هزینه‌های سنگینی بر دولت تحمیل می‌کند. بر اساس گزارش‌ها، هزینه‌های سالانه نگهداری زندانیان در آمریکا به ۸۰ میلیارد دلار می‌رسد (Pew Charitable Trusts, 2018: 12).

**تأثیرات اجتماعی:** زندانیان می‌توانند به فروپاشی خانواده‌ها و افزایش مشکلات اجتماعی منجر شوند.

**نرخ بازگشت به جرم:** چنانچه گذشت، مطالعات نشان می‌دهند که زندانیان در کاهش نرخ بازگشت به جرم چندان موفق نیستند و نرخ بازگشت به جرم در آمریکا حدود ۶۷٪ است.

قانون First Step Act در دسامبر ۲۰۱۸ به تصویب رسید تا استفاده از زندان را برای برخی جرایم کاهش دهد و شرایط زندگی زندانیان را بهبود بخشد. این قانون نقطه عطفی در فاصله‌گیری از سیاست‌های سخت‌گیرانه دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ محسوب می‌شود و با هدف بازاجتماعی‌سازی و کاهش جمعیت زندانیان فدرال، تدابیری از جمله گسترش آزادی مشروط، اعتباردهی به مشارکت زندانیان در برنامه‌های اصلاحی، و امکان بازنگری در احکام شدید برای جرائم غیرخشونت‌آمیز را پیش‌بینی می‌کند. این قانون بر اساس چندین اصل مهم طراحی شده است:

دلایل توجیهی تقنین این قانون عبارت بودند از: «کاهش جمعیت زندان‌های فدرال: یکی از اهداف اصلی این قانون، کاهش جمعیت زندان‌های فدرال و کاهش فشار بر سیستم قضایی و زندان‌ها بود. بهبود شرایط زندگی زندانیان: این قانون به دنبال بهبود شرایط زندگی زندانیان، از جمله دسترسی به برنامه‌های آموزشی و درمانی بود. افزایش استفاده از مجازات‌های جایگزین: قانون‌گذاران به دنبال استفاده از مجازات‌های جایگزین زندان، مانند خدمات عمومی و برنامه‌های اصلاحی بودند. و کاهش هزینه‌های اقتصادی: با کاهش تعداد زندانیان، هزینه‌های نگهداری زندان‌ها نیز کاهش می‌یابد.»

مفاد و احکام عمده این قانون با مباحثی از جمله کاهش مدت حبس برای برخی جرایم غیرخشونت‌آمیز، افزایش اعطای آزادی مشروط برای زندانیان با رفتار خوب، بهبود شرایط زندگی زندانیان، از جمله دسترسی به برنامه‌های آموزشی و درمانی و تأکید بر استفاده از مجازات‌های جایگزین زندان برای جرایم کم‌خطر، ارتباط دارند.

این قانون تأثیرات قابل توجهی بر نظام عدالت کیفری آمریکا داشته است. بر اساس گزارش‌ها، این قانون باعث کاهش جمعیت زندان‌های فدرال به میزان ۷ درصد در سال اول اجرا شده است (U.S. Sentencing Commission, 2019: 23). همچنین، این قانون به بهبود شرایط زندگی زندانیان و افزایش دسترسی آن‌ها به برنامه‌های آموزشی و درمانی کمک کرده است.

همچنین، این قانون به کاهش نرخ بازگشت به جرم کمک کرده است. بر اساس مطالعات انجام شده، زندانیانی که از برنامه‌های آموزشی و درمانی بهره‌مند شده‌اند، نرخ بازگشت به جرم کم‌تری داشته‌اند (Cullen et al., 2018: 56). این یافته‌ها نشان می‌دهند که رویکردهای اصلاحی و درمان‌محور می‌توانند به کاهش جرم و اصلاح مجرمان کمک کنند.

علاوه بر دلایل اقتصادی و مدیریتی، قانون First Step Act با اهداف کلی نظام عدالت کیفری آمریکا نیز همسو است. این قانون به دنبال کاهش تأثیرات منفی زندان بر خانواده‌ها و جامعه، حفظ کرامت انسانی، و افزایش اثربخشی مجازات‌ها است. با این حال، اجرای مؤثر این قانون نیازمند توسعه زیرساخت‌های لازم، مانند برنامه‌های آموزشی، مراکز خدمات عمومی، و سیستم نظارتی قوی است. همچنین، کاهش جمعیت زندان‌ها می‌تواند به کاهش نرخ بازگشت به جرم کمک کند. مطالعات نشان می‌دهند که زندان‌های شلوغ و نامناسب نه تنها به اصلاح مجرمان کمک نمی‌کنند، بلکه ممکن است به افزایش رفتارهای مجرمانه منجر شوند. زندانیان در زندان‌های شلوغ بیشتر در معرض یادگیری رفتارهای مجرمانه از سایر زندانیان قرار می‌گیرند (Clear et al., 2013: 89). این یافته‌ها تأکید می‌کنند که کاهش جمعیت زندان‌ها و بهبود شرایط زندگی در آن‌ها می‌تواند به اصلاح مؤثرتر مجرمان و کاهش نرخ بازگشت به جرم کمک کند.

### ۳-۳- قوانین ایالتی مشابه در آمریکا

در کنار قانون فدرال First Step Act مصوب ۲۰۱۸، بسیاری از ایالت‌های آمریکا نیز قوانین مشابهی را برای کاهش استفاده از کیفر سالب آزادی و افزایش کارایی نظام عدالت کیفری تصویب کرده‌اند. این قوانین ایالتی عمدتاً با هدف کاهش جمعیت زندان‌ها، کاهش هزینه‌های اقتصادی، و بهبود شرایط زندگی زندانیان طراحی شده‌اند. در ادامه، به برخی از مهم‌ترین این قوانین و تأثیرات آن‌ها با استناد به منابع معتبر اشاره می‌شود.

#### ۳-۳-۱- قانون اصلاحات کیفری کالیفرنیا

قانون اصلاحات کیفری کالیفرنیا<sup>۱۷</sup> نیز مشابه قانون فدرال است. کالیفرنیا به عنوان یکی از پیشگامان اصلاحات کیفری در آمریکا، چندین قانون مهم را در این زمینه تصویب کرده است. یکی از مهم‌ترین این قوانین، پروپوزیشن ۱۸۴۷ است که در سال ۲۰۱۴ به تصویب رسید. این قانون برخی جرایم غیرخشونت‌آمیز، مانند سرقت‌های کوچک و مصرف مواد مخدر، را از جرایم جنایی به جرایم خلافکاری<sup>۱۹</sup> تنزل داد. بر اساس گزارش‌ها، این قانون باعث کاهش جمعیت زندان‌های ایالتی در کالیفرنیا به میزان سیزده درصد شده است (Pew

17- California Criminal Justice Reform  
18- Proposition 47  
19- Misdemeanors

Charitable Trusts, 2016: 34). علاوه بر این، کالیفرنیا پروپوزیویشن ۲۰۵۷ را در سال ۲۰۱۶ تصویب کرد که به زندانیان غیرخوشونت‌آمیز امکان آزادی مشروط زودتر از موعد را می‌دهد. این قانون نیز به کاهش جمعیت زندان‌ها و کاهش هزینه‌های اقتصادی کمک کرده است (California Department of Corrections and Rehabilitation, 2017: 45).

### ۲-۳-۳- قانون اصلاحات کیفری تگزاس

قانون اصلاحات کیفری تگزاس<sup>۲۱</sup> نیز مانند موارد سابق است. تگزاس نیز یکی از ایالت‌هایی است که در سال‌های اخیر اصلاحات قابل توجهی در نظام عدالت کیفری خود انجام داده است. در سال ۲۰۰۷، تگزاس قانون اصلاحات عدالت کیفری<sup>۲۲</sup> را تصویب کرد که بر کاهش جمعیت زندان‌ها و افزایش استفاده از برنامه‌های درمانی و آموزشی تأکید دارد. این قانون باعث کاهش جمعیت زندان‌های تگزاس به میزان ۱۵٪ و صرفه‌جویی اقتصادی بیش از ۳ میلیارد دلار شده است (Texas Legislative Budget Board, 2015: 23). تگزاس همچنین برنامه‌هایی مانند درمان اعتیاد و مسکن موقت برای زندانیان کم‌خطر را توسعه داده است که به کاهش نرخ بازگشت به جرم کمک کرده‌اند (Texas Criminal Justice Coalition, 2018: 56).

### ۳-۳-۳- قانون اصلاحات کیفری نیویورک

ایالت نیویورک نیز دارای قانون اصلاحات کیفری<sup>۲۳</sup> است. نیویورک نیز در سال‌های اخیر اصلاحات قابل توجهی در نظام عدالت کیفری خود انجام داده است. یکی از مهم‌ترین این اصلاحات، قانون کاهش حبس برای جرایم غیرخوشونت‌آمیز<sup>۲۴</sup> است که در سال ۲۰۲۱ تصویب شد. این قانون به دنبال کاهش جمعیت زندان‌ها و افزایش استفاده از مجازات‌های جایگزین زندان است. بر اساس گزارش‌ها، این قانون باعث کاهش جمعیت زندان‌های نیویورک به میزان ۲۰٪ شده است (Vera Institute of Justice, 2021: 12). نیویورک همچنین برنامه‌هایی مانند خدمات عمومی و درمان اعتیاد را برای زندانیان کم‌خطر توسعه داده است که به کاهش نرخ بازگشت به جرم کمک کرده‌اند (New York State Division of Criminal Justice Services, 2020: 45).

### ۴-۳-۳- قانون اصلاحات کیفری فلوریدا

فلوریدا نیز در سال‌های اخیر اصلاحات قابل توجهی در نظام عدالت کیفری خود انجام داده است. یکی از مهم‌ترین این اصلاحات، قانون کاهش حبس برای جرایم غیرخوشونت‌آمیز<sup>۲۵</sup> است که در سال ۲۰۱۹ تصویب شد. این قانون به دنبال کاهش جمعیت زندان‌ها و افزایش استفاده از مجازات‌های جایگزین زندان است. بر اساس گزارش‌ها، این قانون باعث کاهش جمعیت زندان‌های فلوریدا به میزان ۱۰٪ شده است (Florida Department of Corrections, 2020: 34). فلوریدا همچنین برنامه‌هایی مانند درمان اعتیاد و مسکن موقت برای زندانیان کم‌خطر را توسعه داده است که به کاهش نرخ بازگشت به جرم کمک کرده‌اند (Florida Criminal Justice Reform Task Force, 2019: 56).

### ۵-۳-۳- تأثیرات کلی قوانین ایالتی

قوانین ایالتی مشابه در آمریکا تأثیرات قابل توجهی بر نظام عدالت کیفری این کشور داشته‌اند. این قوانین به کاهش جمعیت زندان‌ها، کاهش هزینه‌های اقتصادی، و بهبود شرایط زندگی زندانیان کمک کرده‌اند. علاوه بر این، این قوانین به کاهش نرخ بازگشت به جرم کمک کرده‌اند. بر اساس مطالعات انجام‌شده، زندانیانی که از برنامه‌های آموزشی و درمانی بهره‌مند شده‌اند، نرخ بازگشت به جرم کم‌تری داشته‌اند (Cullen et al., 2018: 56). این یافته‌ها نشان می‌دهند که رویکردهای اصلاحی و درمان‌محور می‌توانند به کاهش جرم و اصلاح

20- Proposition 57

21- Texas Criminal Justice Reform

22- Texas Justice Reinvestment Act

23- New York Criminal Justice Reform

24- New York Less Is More Act

25- Florida Criminal Justice Reform Act

مجربان کمک کنند. با این حال، اجرای مؤثر این قوانین نیازمند توسعه زیرساخت‌های لازم، مانند برنامه‌های آموزشی، مراکز خدمات عمومی، و سیستم نظارتی قوی است.

هرچند نظام عدالت کیفری آمریکا با تصویب قوانین فدرال و ایالتی به سمت کاهش استفاده از زندان گام برداشته، اما چالش‌هایی نظیر نابرابری نژادی، تفاوت سطح منابع ایالت‌ها، و مقاومت سیاسی برخی جریان‌ها، تحقق کامل سیاست‌های تقلیل‌گرایانه را با موانعی جدی مواجه کرده است. برخلاف فقه اسلامی که بر استثنایی بودن زندان از اساس تأکید دارد، در آمریکا حرکت از الگوی سخت‌گیرانه به سمت مدل انسانی‌تر، غالباً ناشی از فشار اقتصادی و شکست سیاست‌های کیفری سابق بوده است.

#### ۴- مقایسه رویکرد و منطق عمومی قانون کاهش حبس تعزیری با تجربیات نظام عدالت کیفری آمریکا

مقایسه رویکرد و منطق عمومی قانون کاهش حبس تعزیری (به‌عنوان تجربه برجسته نظام عدالت کیفری ایران در قبال کاهش کاربرد کیفر حبس) با تجربیات نظام عدالت کیفری آمریکا، نشانگر وجود اشتراکات و تفاوت‌های میان این دو نظام است.

##### ۴-۱- وجوه اشتراک و مغایرت نظام عدالت کیفری ایران و آمریکا

در تحلیل تطبیقی رویکرد قوانین و مقررات تقلیل‌گرایی موجود و معمول در قلمرو نظام حقوقی ایران و آمریکا یک سری وجوه اشتراک و مغایرت قابل شناسایی است. به‌طور مثال، مواردی مثل گرایش به حبس‌زدایی، تأکید بر حداقل‌گرایی در مرحله‌ی حبس‌گزینی قضایی، توسعه‌ی قلمرو تدابیر ارفاقی، تعدیل حبس‌های بلندمدت ثابت، از جمله شاخص‌ترین جهات اشتراک و شباهت در هر دو کشور است، هرچند درجه‌ی شدت و ضعف پیاده‌سازی تدابیر مذکور در قلمرو آن‌ها تفاوت‌هایی دارد. با این حال، ادامه رویکرد حقوقی-کیفری سخت‌گیرانه در جرایم علیه امنیت و ابقای رویکرد اولویت استفاده از مجازات‌های سالب آزادی، در حقوق ایران و آمریکا رویکرد مشهود و بارزی است که چندان در قوانین و به‌طور کلی نظام سیاست جنایی کشورهای دیگر مجری و معمول نمی‌باشد.

قانون پاتریوت<sup>۲۶</sup> در آمریکا به محاکم این کشور اجازه معلق‌سازی اغلب تدابیر ارفاقی و تعلیقی در این کشور را داده (Wiliam, 2015: 14) و این در جهات زیادی شبیه رویکرد فعلی نظام حقوقی ایران است که با وجود ماده ۷ قانون کاهش حبس تعزیری که به نوعی نظر به تعدیل محدودیت‌های قضایی-قانونی معمول در قبال جرایم علیه امنیت داشته و مثلاً سیاست تعلیق بخشی از مجازات این جرایم را به رسمیت و مجاز شناخته، هنوز به اصل محدود‌سازی و ممنوعیت اعمال اغلب سیاست‌های ارفاقی در قبال جرایم علیه امنیت نظر و گرایش دارد.

یکی از وجوه اشتراک نظام عدالت کیفری ایران و آمریکا، تعدیل نسبی حبس‌های غیرمعین (ابد) با وجود ابقای مواردی خاص است. در حالی که در قانون اصلاح سیاست‌های زندانبانی مصوب ۲۰۰۵ انگلستان، نظام حبس‌های غیرمعین به‌طور کامل حذف شده است، چنین حبس‌هایی هنوز در ایران و آمریکا دارای مصداق می‌باشند. در ایران، با وجود ماده ۶ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ که تبصره‌ای به ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی افزوده و طی آن تمام حبس‌های ابد غیرحدی را به حبس درجه یک تبدیل نموده است، حبس‌های ابد حدی همچنان وجود دارند. اگرچه مصادیق این حبس‌ها بسیار محدود است، اما وجود آن‌ها باعث می‌شود که نتوان رویکرد سیاست جنایی قانون کاهش را دقیقاً با رویکرد نظام حقوقی کشورهای که حبس ابد را به‌طور کامل از نظام کیفری خود حذف کرده‌اند، یکسان و مشابه دانست (خلیلی، ۱۳۹۹: ۷۸: 45). (Alexander, 2010: 45).

یکی از تفاوت‌های بسیار بزرگ میان رویکرد سیاست جنایی کشورهای اروپایی مانند انگلستان با ایران و آمریکا در قبال مجازات حبس، عدم وجود دامنه‌ی حداقلی برای مجازات‌های حبس در این کشورها است. در انگلستان، قانون‌گذار تنها به تعیین سقف حبس‌های قابل تعیین و اجرا پرداخته است، در حالی که در ایران و آمریکا، قاعده‌ی حداقل‌گرایی همچنان جاری است. این موضوع

26- The Patriot Act (2001)

نشان می‌دهد که در ایران و آمریکا، قضات ملزم به رعایت حداقل‌های مجازاتی هستند، در حالی که در انگلستان، اختیارات بیشتری برای تعیین مجازات‌های متناسب با شرایط هر پرونده وجود دارد (Garland, 2001: 123؛ پورهاشمی، ۱۳۸۳: ۱۴۰).

تفاوت بزرگ دیگر میان حقوق و سیاست جنایی کشورهای اروپایی با رویکرد قوانین و مقررات مجری در ایران و آمریکا، قرائت متفاوت از آثار تساهل ستیز نهاد تعدد جرم است. برای مثال در انگلستان، تعدد جرم عملاً تأثیر منفی‌کننده و مانع‌سازی در مسیر اعمال سیاست‌های ارفاقی، تخفیفی و تبدیلی ندارد. این در حالی است که در ایران، با وجود ماده ۱۲ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری که ناظر به اصلاح مقررات و آثار تعدد جرم در قانون مجازات اسلامی است، هنوز مصادیقی از تعدد جرم وجود دارند که مانع از اعمال سیاست‌های تخفیف و تبدیل مجازات می‌شوند. در آمریکا نیز، به موجب قانون اصلاح قانون نظم و امنیت عمومی مصوب ۲۰۱۲، مقررات مشابهی وجود دارد که اختیارات قضات را در اعمال تخفیف مجازات محدود می‌کند (The Sentencing Project, 2015: 34؛ خلیلی، ۱۳۹۹: ۸۲).

اختیارات محدود قضات و محاکم در ایران و آمریکا در مقایسه با سیاست‌های مشارکتی زندانبانی در انگلستان، از دیگر تفاوت‌های بارز میان رویکرد سیاست جنایی این کشورها است. در انگلستان، سیاست‌های زندانبانی به‌گونه‌ای طراحی شده‌اند که مشارکت فعال نهادهای مدنی و سازمان‌های غیردولتی را در فرآیند اصلاح و بازپروری زندانیان تسهیل می‌کنند. این در حالی است که در ایران و آمریکا، سیاست‌های زندانبانی عمدتاً متمرکز بر کنترل و نظارت دولتی است و نقش نهادهای مدنی در این فرآیند محدودتر است (Cullen et al., 2018: 56؛ پورهاشمی، ۱۳۸۳: ۱۴۵). اگرچه نظام‌های عدالت کیفری ایران و آمریکا در سال‌های اخیر به سمت تعدیل نسبی حبس‌های غیرمعیّن و کاهش استفاده از زندان حرکت کرده‌اند، اما تفاوت‌های قابل توجهی با رویکرد اغلب کشورهای اروپایی دارند. این تفاوت‌ها شامل وجود حبس‌های ابد حدی در ایران و آمریکا، قاعده‌ی حداقل‌گرایی در مجازات‌های حبس، و محدودیت‌های ناشی از نهاد تعدد جرم در اعمال سیاست‌های ارفاقی و تخفیفی است. علاوه بر این، اختیارات محدود قضات و محاکم در ایران و آمریکا در مقایسه با سیاست‌های مشارکتی زندانبانی در کشورهای اروپایی، نشان‌دهنده تفاوت‌های ساختاری و رویکردی عمیق میان این نظام‌ها است. در حالی که قانون آمریکا در بافتی از فشارهای مدنی، بحران اقتصادی، و اعتراض‌های اجتماعی تصویب شده است، قانون ایران بیشتر حاصل نگرانی از ازدحام زندان‌ها و فشارهای نهادی بوده است. این تفاوت در منشأ، بر نحوه اجرا نیز اثرگذار بوده است.

#### ۲-۴- مقایسه قانون کاهش مجازات حبس تعزیری ایران با قانون گام اول آمریکا

مقایسه رویکرد و منطق عمومی قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ در ایران با تجربیات نظام عدالت کیفری آمریکا، به ویژه با توجه به قانون First Step Act مصوب ۲۰۱۸، نشان‌دهنده شباهت‌ها و تفاوت‌های قابل توجهی در اهداف، مبانی، و چالش‌های اجرایی این دو نظام است. هر دو قانون با هدف کاهش جمعیت زندان‌ها، کاهش هزینه‌های اقتصادی، و بهبود شرایط زندگی زندانیان طراحی شده‌اند، اما تفاوت‌هایی در رویکردها و اجرا وجود دارد که ناشی از تفاوت‌های ساختاری و فرهنگی میان دو نظام است.

قانون کاهش حبس تعزیری در ایران با هدف کاهش مدت حبس برای برخی جرایم تعزیری و استفاده از مجازات‌های جایگزین مانند جریمه نقدی و خدمات عمومی تصویب شد. این قانون بر اساس اصل فردی کردن مجازات‌ها و کاهش تأثیرات منفی زندان بر خانواده‌ها و جامعه طراحی شده است (خلیلی، ۱۳۹۹: ۷۸). به طور مشابه، قانون First Step Act در آمریکا نیز با هدف کاهش جمعیت زندان‌های فدرال، بهبود شرایط زندگی زندانیان، و افزایش استفاده از مجازات‌های جایگزین زندان تصویب شد. این قانون به دنبال کاهش نرخ بازگشت به جرم و کاهش هزینه‌های اقتصادی ناشی از نگهداری زندانیان است (Pew Charitable Trusts, 2018: 12).

هر دو قانون بر کاهش جمعیت زندان‌ها تأکید دارند. در ایران، قانون کاهش حبس تعزیری با کاهش مدت حبس برای برخی جرایم تعزیری و استفاده از مجازات‌های جایگزین، به دنبال کاهش فشار بر سیستم قضایی و زندان‌ها است. بر اساس گزارش‌ها، این قانون باعث کاهش جمعیت زندان‌ها به میزان ده درصد در سال اول اجرا شده است (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۹: ۱۲). در آمریکا

نیز، قانون First Step Act باعث کاهش جمعیت زندان‌های فدرال به میزان هفت درصد جمعیت کیفری در سال اول اجرای این قانون شده است (U.S. Sentencing Commission, 2019: 23).

با تصویب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری در سال ۱۳۹۹ و افزودن یک تبصره به ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی، چنانچه دادگاه در حکم صادره مجازات حبس را بیش از حداقل مجازات مقرر در قانون تعیین کند، باید مبتنی بر بندهای مقرر در این ماده و یا سایر جهات قانونی، علت صدور حکم به بیش از حداقل مجازات مقرر قانونی را ذکر کند و عدم رعایت مفاد این تبصره موجب مجازات انتظامی درجه چهار می‌باشد. قانونگذار که زمانی در تعزیرات، شرع را بر قانون مقدم می‌دانست، با چرخشی کاملاً ایدئولوژیک، نه تنها در یک تبصره، سه مرتبه به واژه «قانون» اشاره و قاضی را به تبعیت مطلق از آن ملزم می‌کند؛ بلکه وی را از هرگونه مصلحت‌اندیشی‌های شخصی در تعیین مجازات بر حذر می‌دارد. (صادقی، ۱۴۰۴: ۱۵۳) با این حال، تفاوت‌هایی در رویکردها و اجرای این دو قانون وجود دارد. در ایران، قاعده‌ی حداقل‌گرایی در مجازات‌های حبس همچنان جاری است، به گونه‌ای که قضات ملزم به رعایت حداقل‌های مجازاتی هستند. این در حالی است که در آمریکا، قانون First Step Act به قضات اختیارات بیشتری برای تعیین مجازات‌های متناسب با شرایط هر پرونده داده است (Garland, 2001: 123؛ خلیلی، ۱۳۹۹: ۸۲).

تفاوت دیگر در نقش نهاد تعدد جرم در اعمال سیاست‌های ارفاقی و تخفیفی است. در ایران، با وجود ماده ۱۲ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری که ناظر به اصلاح مقررات و آثار تعدد جرم در قانون مجازات اسلامی است، هنوز مصادیقی از تعدد جرم وجود دارند که مانع از اعمال سیاست‌های تخفیف و تبدیل مجازات می‌شوند. در آمریکا نیز، به موجب قانون اصلاح قانون نظم و امنیت عمومی مصوب ۲۰۱۲، مقررات مشابهی وجود دارد که اختیارات قضات را در اعمال تخفیف مجازات محدود می‌کند (The Sentencing Project, 2015: 34؛ خلیلی، ۱۳۹۹: ۸۲). علاوه بر این، اختیارات محدود قضات و محاکم در ایران در مقایسه با اختیارات گسترده‌تر قضات در آمریکا، از دیگر تفاوت‌های بارز میان این دو نظام است. در آمریکا، قضات اختیارات بیشتری برای تعیین مجازات‌های متناسب با شرایط هر پرونده دارند، در حالی که در ایران، اختیارات قضات در این زمینه محدودتر است (Cullen et al., 2018: 56؛ پوره‌اشمی، ۱۳۸۳: ۱۴۵). در مجموع، هرچند هر دو نظام به ضرورت کاهش استفاده از حبس پی برده‌اند، اما آمریکا به واسطه‌ی تمرکز بر مشارکت نهادهای مدنی، فردی‌سازی مجازات، و اختیارات گسترده‌تر قضات، در اجرای سیاست‌های کاهش زندان موفق‌تر عمل کرده است. ایران نیز با وجود پیشرفت‌های قانونی، همچنان با موانعی مانند ساختار متمرکز، ضعف زیرساخت‌ها و نگاه تنبیهی سنتی روبه‌روست.

## ۵- پیشنهاداتی جهت اصلاح رویکرد نظام عدالت کیفری ایران در قبال کاربست کیفر حبس

بر اساس آخرین گزارش‌های مرتبط منتشره از مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۴۰۱)، نرخ بازگشت به جرم در ایران همچنان بین ۴۰ تا ۵۰ درصد است. این نرخ نشان‌دهنده نیاز مبرم به تقویت برنامه‌های اصلاحی و بازپروری در زندان‌ها است. در مقابل، گزارش‌های Bureau of Justice Statistics (2021) نشان می‌دهد که نرخ بازگشت به جرم در آمریکا حدود ۶۴ درصد است که نسبت به سال‌های گذشته کاهش جزئی داشته است. این کاهش ناشی از اجرای برنامه‌های اصلاحی و استفاده بیشتر از مجازات‌های جایگزین زندان است.

بر اساس گزارش‌های سال ۲۰۲۱، نرخ بازگشت به جرم در آمریکا حدود ۶۴ درصد است که نسبت به سال‌های گذشته کاهش جزئی داشته است. این کاهش ناشی از اجرای برنامه‌های اصلاحی و استفاده بیشتر از مجازات‌های جایگزین زندان است. کشورهایمانند نروژ و سوئد با استفاده از برنامه‌های اصلاحی و مجازات‌های جایگزین زندان، توانسته‌اند نرخ بازگشت به جرم را به زیر ۳۰ درصد کاهش دهند (UNODC, 2022). این کشورها بر آموزش، درمان اعتیاد، و بازپروری زندانیان تمرکز کرده‌اند. همچنین، کشورهای اروپایی مانند آلمان و هلند با کاهش استفاده از زندان و افزایش مجازات‌های جایگزین، توانسته‌اند هزینه‌های اقتصادی زندان‌ها را به طور چشمگیری کاهش دهند (European Prison Observatory, 2021).

جهت اصلاح رویکرد نظام عدالت کیفری ایران در زمینه‌ی استفاده از کیفر حبس، پیشنهادات زیر می‌توانند نقش مؤثری در بهبود سیستم و کاهش پیامدهای منفی زندان ایفا کنند:

1. **گسترش و تقویت مجازات‌های جایگزین زندان:** نظام عدالت کیفری ایران باید به‌صورت جدی‌تری از مجازات‌های جایگزین زندان، همچون خدمات عمومی، جریمه‌های نقدی، برنامه‌های آموزشی و درمانی، و مراقبت‌های جامعه‌محور بهره بگیرد. این مجازات‌ها نه تنها بار مالی دولت را کاهش می‌دهند، بلکه به اصلاح مجرمان و بازگشت آن‌ها به جامعه کمک شایانی می‌کنند. برای نمونه، برنامه‌هایی مانند درمان اعتیاد و آموزش مهارت‌های شغلی می‌توانند به طور چشمگیری نرخ بازگشت به جرم را کاهش دهند.
2. **فردی‌سازی حداکثری مجازات‌ها:** قضات باید از اختیارات بیشتری برای تعیین مجازات‌های متناسب با شرایط هر پرونده برخوردار باشند. این رویکرد، به جای اعمال مجازات‌های یک‌سان و کلیشه‌ای، به قضات امکان می‌دهد تا با در نظر گرفتن شرایط شخصی مجرمان، نوع جرم، و زمینه‌های ارتکاب آن، مجازات‌های مناسب و عادلانه‌تری را اعمال کنند. این امر نه تنها جمعیت زندان‌ها را کاهش می‌دهد، بلکه اثربخشی مجازات‌ها را نیز افزایش می‌دهد.
3. **کاهش استفاده از حبس‌های ابد و طولانی‌مدت:** نظام عدالت کیفری ایران باید استفاده از حبس‌های ابد و طولانی‌مدت را به حداقل برساند و تنها در موارد بسیار شدید و ضروری از این مجازات‌ها بهره بگیرد. این رویکرد نه تنها کرامت انسانی را حفظ می‌کند، بلکه از هزینه‌های اقتصادی سنگین ناشی از نگهداری زندانیان در بلندمدت نیز می‌کاهد.
4. **توسعه برنامه‌های اصلاحی و بازپروری در زندان‌ها:** زندان‌ها باید به محیط‌هایی برای اصلاح و بازپروری مجرمان تبدیل شوند. این هدف با توسعه برنامه‌های آموزشی، درمانی، و مهارت‌آموزی در زندان‌ها محقق می‌شود. برای مثال، برنامه‌هایی مانند آموزش سواد، مهارت‌های شغلی، و درمان اعتیاد می‌توانند به کاهش نرخ بازگشت به جرم و بازگشت موفق‌تر زندانیان به جامعه کمک کنند.
5. **افزایش مشارکت نهادهای مدنی و سازمان‌های غیردولتی:** نظام عدالت کیفری ایران باید مشارکت نهادهای مدنی و سازمان‌های غیردولتی را در فرآیند اصلاح و بازپروری زندانیان تسهیل کند. این نهادها می‌توانند با ارائه خدمات حمایتی، آموزشی، و درمانی، به بهبود شرایط زندگی زندانیان و کاهش نرخ بازگشت به جرم کمک شایانی کنند.
6. **اصلاح قوانین مربوط به تعدد جرم:** قوانین مرتبط با تعدد جرم باید به‌گونه‌ای اصلاح شوند که مانع از اعمال سیاست‌های ارفاقی و تخفیفی نشوند. این اصلاحات به قضات اجازه می‌دهند تا در مواردی که تعدد جرم وجود دارد، مجازات‌های متناسب با شرایط هر پرونده را تعیین کنند و از اعمال مجازات‌های سنگین و غیرضروری جلوگیری نمایند.
7. **کاهش ازدحام زندان‌ها:** نظام عدالت کیفری ایران باید به‌صورت جدی‌تری به کاهش ازدحام زندان‌ها بپردازد. این هدف می‌تواند از طریق افزایش سرانه زندان‌ها، اجرای کامل و دقیق ظرفیت‌های قانونی مبتنی کاهش مدت حبس، افزایش استفاده از مجازات‌های جایگزین، و بهبود شرایط زندگی در زندان‌ها محقق شود. کاهش ازدحام زندان‌ها نه تنها شرایط زندگی زندانیان را بهبود می‌بخشد، بلکه از خشونت و شیوع بیماری‌ها در زندان‌ها نیز می‌کاهد. این سیاست با مبانی فقهی مانند «اصل دفع مفسده به حداقل لازم» نیز هماهنگ است.
8. **افزایش آگاهی عمومی درباره مزایای مجازات‌های جایگزین:** نظام عدالت کیفری ایران باید با افزایش آگاهی عمومی درباره مزایای مجازات‌های جایگزین زندان، حمایت جامعه را برای اجرای این سیاست‌ها جلب کند. این امر می‌تواند از طریق برگزاری کارگاه‌های آموزشی، کمپین‌های تبلیغاتی، و مشارکت رسانه‌ها تحقق یابد. افکار عمومی در ایران اغلب مجازات حبس را تنها مجازات «جدی» تلقی می‌کند. برای تغییر این نگرش، باید رسانه‌ها، نظام آموزشی، و نهادهای دینی وارد عمل شوند و آثار مثبت جایگزین‌ها (مانند اشتغال اجتماعی، بازپروری، حفظ خانواده) را تبیین کنند.

۹. نهادینه سازی ارزیابی علمی خطرپذیری مجرمان: یکی از ابزارهای نوین کشورهای توسعه یافته، استفاده از سامانه های ارزیابی خطر (Risk Assessment Tools) است که به قاضی در تصمیم گیری درباره نیاز به حبس یا جایگزینی آن کمک می کند. توسعه چنین سامانه هایی در ایران می تواند نقطه ی قوت اجرای عدالت فردی باشد.

مجموعه اقدامات پیشنهادی، اگر به صورت هماهنگ و ساختاریافته به اجرا درآید، می تواند زمینه ساز یک گذار تدریجی نظام عدالت کیفری ایران از وضعیت حبس محور به سوی رویکردی کرامت مدار، مشارکت گرا و مؤثر در بازپروری باشد. این اصلاحات نه تنها با مبانی فقه اسلامی در باب حفظ کرامت انسان و تقدم اصلاح بر مجازات مطابقت دارد، بلکه در بلندمدت به کاهش نرخ بازگشت به جرم، کاهش هزینه های اقتصادی، و افزایش اعتماد عمومی به نظام عدالت کیفری نیز خواهد انجامید.

## ۶- نتیجه گیری

فقه اسلامی، با تکیه بر اصولی والا همچون کرامت انسانی، عدالت، و اصلاح مجرمان، ظرفیتی بی بدیل برای تقویت رویکرد استفاده حداقلی از حبس و توجیه تصویب قوانین کاهش دهنده جمعیت کیفری دارد. در آموزه های ناب اسلامی، مجازات ها نه تنها ابزاری برای تنبیه، بلکه وسیله ای برای اصلاح و بازپروری مجرمان تلقی می شوند. قرآن کریم با بیان آیه ی "وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ" (ما فرزندان آدم را کرامت بخشیدیم)، بر ارزش ذاتی انسان تأکید می کند. این اصل بنیادین، استفاده از مجازات های سنگین و طولانی مدت، همچون حبس های ابد، را به چالش می کشد و بر لزوم حفظ کرامت انسانی حتی در مورد مجرمان پافشاری می کند. افزون بر این، فقه اسلامی با تأکید بر اصل فردی کردن مجازات ها، به قضات این اختیار را می دهد که با در نظر گرفتن شرایط ویژه ی هر فرد، مجازات هایی متناسب و عادلانه را اعمال کنند. این رویکرد، که بر انعطاف و عدالت استوار است، به وضوح با کاهش استفاده از حبس و جایگزینی آن با مجازات های اصلاحی و جامعه محور همسو می باشد.

از سوی دیگر، فقه اسلامی با تأکید بر اصل جبران خسارت و اصلاح رابطه ها، رویکردی ترمیمی را ترویج می دهد که به جای تنبیه محض، به بازسازی و ترمیم روابط انسانی می پردازد. برای نمونه، در مواردی مانند قصاص، اسلام به جای اجرای مجازات، به صلح و جبران خسارت از طریق دیه ترغیب می کند. این نگرش، که بر حل تعارضات از طریق روش های غیرخشونت آمیز استوار است، نشان دهنده ی تمایل اسلام به کاهش استفاده از مجازات های سالب آزادی است. همچنین، فقه اسلامی با استناد به اصل ضرورت، استفاده از زندان را تنها در مواردی جایز می داند که هیچ راه حل جایگزینی وجود نداشته باشد. این اصل، که بر حداقلی گرایي در مجازات تأکید دارد، به روشنی با رویکرد کاهش جمعیت کیفری و استفاده حداقلی از حبس همخوانی دارد. بنابراین، فقه اسلامی با تکیه بر این اصول ناب و مترقی، می تواند به عنوان پایه ای استوار برای توجیه تصویب قوانینی که به کاهش جمعیت زندان ها و افزایش استفاده از مجازات های جایگزین منجر می شوند، مورد استناد قرار گیرد.

علاوه بر استفاده از ظرفیت فقه پویا، مطالعه تطبیقی نظام های عدالت کیفری دیگر، چشم انداز و وسیع تری برای اصلاح رویکرد سیاست های مدیریت جمعیت کیفری ارائه می کند. به طور کلی رویکرد نظام عدالت کیفری آمریکا، مانند ایران، در کاربست کیفر سالب آزادی در سال های اخیر به سمت کاهش استفاده از زندان و جایگزینی آن با مجازات های جامعه مدار حرکت کرده است. قانون First Step Act مصوب ۲۰۱۸ یکی از مهم ترین اقدامات در این زمینه است که با هدف کاهش جمعیت زندان های فدرال، بهبود شرایط زندگی زندانیان، و افزایش استفاده از مجازات های جایگزین زندان طراحی شده است. این قانون تأثیرات قابل توجهی بر کاهش جمعیت زندان ها، بهبود شرایط زندگی زندانیان، و کاهش نرخ بازگشت به جرم داشته است. با این حال، اجرای مؤثر این قانون نیازمند توسعه زیرساخت های لازم و افزایش آگاهی عمومی درباره مزایای مجازات های جایگزین است. قوانین ایالتی مشابه در آمریکا، مانند پروپوزیشن ۴۷ در کالیفرنیا، قانون اصلاحات عدالت کیفری در تگزاس، قانون کاهش حبس برای جرایم غیرخشونت آمیز در نیویورک، و قانون کاهش حبس برای جرایم غیرخشونت آمیز در فلوریدا، تأثیرات قابل توجهی بر نظام عدالت کیفری این کشور داشته اند. این قوانین به کاهش جمعیت زندان ها، کاهش هزینه های اقتصادی، و بهبود شرایط زندگی زندانیان کمک کرده اند. علاوه بر این، این قوانین

به کاهش نرخ بازگشت به جرم کمک کرده‌اند. با این حال، اجرای مؤثر این قوانین نیازمند توسعه زیرساخت‌های لازم و افزایش آگاهی عمومی درباره مزایای مجازات‌های جایگزین است.

اگرچه قانون کاهش حبس تعزیری در ایران و قانون First Step Act در آمریکا هر دو با هدف کاهش جمعیت زندان‌ها، کاهش هزینه‌های اقتصادی، و بهبود شرایط زندگی زندانیان طراحی شده‌اند، اما تفاوت‌هایی در رویکردها و اجرای این دو قانون وجود دارد. این تفاوت‌ها شامل قاعده‌ی حداقل‌گرایی در مجازات‌های حبس در ایران، نقش نهاد تعدد جرم در اعمال سیاست‌های ارفاقی و تخفیفی، و اختیارات محدود قضات و محاکم در ایران در مقایسه با اختیارات گسترده‌تر قضات در آمریکا است. این تفاوت‌ها نشان‌دهنده‌ی تفاوت‌های ساختاری و فرهنگی عمیق میان دو نظام عدالت کیفری است.

اصلاح رویکرد نظام عدالت کیفری ایران در قبال استفاده از کیفر حبس، نیازمند توسعه مجازات‌های جایگزین، فردی‌سازی مجازات‌ها، کاهش استفاده از حبس‌های ابد و طولانی‌مدت، توسعه برنامه‌های اصلاحی و بازپروری، افزایش مشارکت نهادهای مدنی، اصلاح قوانین مربوط به تعدد جرم، کاهش ازدحام زندان‌ها، و افزایش آگاهی عمومی است. این اصلاحات می‌توانند به کاهش جمعیت زندان‌ها، کاهش هزینه‌های اقتصادی، و بهبود شرایط زندگی زندانیان کمک کنند.

## فهرست منابع

### الف- منابع فارسی

- ۱) ابراهیم‌وند، حسام. (۱۳۹۲). ضوابط تعیین کیفر سالب آزادی در حقوق ایران و انگلستان. تهران: انتشارات داد و دانش.
- ۲) توجهی، عبدالعلی و حسام ابراهیم‌وند. (۱۳۹۴). بررسی فقهی مجازات حبس به مثابه «آخرین حربه». نشریه مجموعه مقالات سومین کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی تهران: انتشارات صدرا.
- ۳) حبیب زاده، محمدجعفر، آقایی، نسترن و درویش زاده، محمدجواد. (۱۴۰۳). بررسی اجرای دوباره حدود سالب حیات در صورت اجرای ناقص آن در فقه و حقوق. فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی، ۷(۲۳)، ۹۳-۱۲۴. [doi: 10.22034/law.2024.2015010.1270](https://doi.org/10.22034/law.2024.2015010.1270)
- ۴) خلیلی، حسین. (۱۳۹۹). مجازات‌های اسلامی و جایگاه زندان. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۵) رحمی، علی. (۱۳۹۹). نظام عدالت کیفری ایران و چالش‌های کمینه‌سازی مجازات حبس. تهران: انتشارات میزان.
- ۶) سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور. (۱۳۹۸). گزارش وضعیت خانواده‌های زندانیان. تهران: سازمان زندان‌ها.
- ۷) صادقی، محمد. (۱۳۹۸). کمینه‌سازی مجازات حبس در فقه و حقوق ایران. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۸) صادقی، محمد مهدی. (۱۴۰۴). تحلیل تطبیقی نقش ایدئولوژی‌های سیاسی در تحول مفهومی اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها؛ با درنگی بر نظام حقوقی ایران. فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی، ۸(۲۶)، ۱۳۴-۱۶۶. [doi: 10.22034/law.2024.2037338.1431](https://doi.org/10.22034/law.2024.2037338.1431)
- ۹) قربان‌نیا، ناصر. (۱۳۸۷). فلسفه مجازات‌ها در فقه کیفری اسلام. مجله قضاوت. مرداد و شهریور ۱۳۸۷. شماره ۵۲.
- ۱۰) کونانی، سلمان. (۱۴۰۰). جرم‌زدایی و کاهش عناوین مجرمانه. چاپ اول. تهران: نشر روزنامه رسمی.
- ۱۱) مرکز آمار ایران. (۱۴۰۰). گزارش هزینه‌های نگهداری زندانیان. تهران: مرکز آمار ایران.
- ۱۲) مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. (۱۳۹۹). بررسی نرخ بازگشت به جرم و هزینه‌های اقتصادی زندان‌ها. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس.
- ۱۳) مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. (۱۳۹۹). گزارش بررسی قانون کاهش حبس تعزیری. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس.

- ۱۴) مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۸۵). فلسفه اخلاق. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- ۱۵) مؤذن‌زادگان، حسنعلی. (۱۳۹۸). جرم‌شناسی نظری. تهران: انتشارات میزان.
- ۱۶) موسوی بجنوردی، سید محمد. (۱۳۹۵). فقه اسلامی و مجازات‌های جایگزین حبس. قم: انتشارات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- ۱۷) وائلی، احمد. (۱۳۶۲). احکام زندان. ترجمه: محمدحسن بکائی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۱۸) وائلی، محمد. (۱۳۶۲). تاریخ زندان در اسلام. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- ۱۹) پورهاشمی، سید عباس. (۱۳۸۳). زندان: هنر تنبیه یا مجازات قانونی. چاپ اول. تهران.
- ۲۰) پورهاشمی، سید محمد. (۱۳۸۳). فلسفه مجازات در اسلام. قم: انتشارات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

### ب) منابع عربی

- ۲۱) ابن تیمیه، احمد. (بی‌تا). منهاج السنه. جلد ۲.
- ۲۲) ابن قیم‌الجوزیه، محمد. (بی‌تا). اعلام‌الموقعین. جلد ۳.
- ۲۳) حلی، ابی‌منصور الحسن بن یوسف. (۱۴۲۰ ه.ق.). تحریر الاحکام. جلد ۲. قم: اعتماد.
- ۲۴) عوده، عبدالقادر. (۱۳۸۵). التشریح الجنائی فی الاسلام. بیروت: دارالکتاب العربی.
- ۲۵) عز بن عبدالسلام. (بی‌تا). قواعد الاحکام فی مصالح الانام.
- ۲۶) مفید، ابو عبدالله. (۱۴۱۰ ه.ق.). المقنعه. قم: جامعه مدرسین.

### ج) منابع لاتین:

- 27) **Alexander, M.** (2010). *The New Jim Crow: Mass Incarceration in the Age of Colorblindness*. New York: The New Press.
- 28) **Ashworth, A.** (1998). *The Criminal Process* (2nd ed.). Oxford: Oxford University Press.
- 29) **Braithwaite, J.** (1989). *Crime, Shame and Reintegration*. Cambridge: Cambridge University Press.
- 30) **Bureau of Justice Statistics.** (2009). *Prisoners in the United States*. Washington, DC: U.S. Department of Justice.
- 31) **Bureau of Justice Statistics.** (2018). *Recidivism of Prisoners Released in 30 States*. Washington, DC: U.S. Department of Justice.
- 32) **California Department of Corrections and Rehabilitation.** (2017). *The Impact of Proposition 57 on Prison Population*. Sacramento, CA: CDCR.
- 33) **Clear, T. R., Cole, G. F., & Reisig, M. D.** (2013). *American Corrections*. Belmont, CA: Wadsworth.
- 34) **Cullen, F. T., Jonson, C. L., & Nagin, D. S.** (2018). Prisons Do Not Reduce Recidivism: The High Cost of Ignoring Science. *The Prison Journal*, 98(1), 52-76.
- 35) **Foucault, M.** (1977). *Discipline and Punish: The Birth of the Prison*. New York: Vintage Books.
- 36) **Florida Criminal Justice Reform Task Force.** (2019). *The Impact of Treatment Programs on Recidivism in Florida*. Tallahassee, FL: FCRTF.
- 37) **Florida Department of Corrections.** (2020). *The Impact of the Criminal Justice Reform Act in Florida*. Tallahassee, FL: FDOC.
- 38) **Garland, D.** (2001). *The Culture of Control: Crime and Social Order in Contemporary Society*. Chicago: University of Chicago Press.
- 39) **Human Rights Watch.** (2020). *World Report 2020: Brazil*. New York: HRW.
- 40) **Kant, I.** (1785). *Groundwork of the Metaphysics of Morals*. Cambridge: Cambridge University Press.
- 41) **Karen, C., Sharon, M., Paul, T., & Turner, J.** (2016). *A Companion to Crime, Harm and Victimisation*. Bristol: Policy Press.
- 42) **Ministry of Justice.** (2019). *Proven Reoffending Statistics Quarterly Bulletin*. London: UK Government.
- 43) **NAACP.** (2020). *Criminal Justice Fact Sheet*. Baltimore, MD: NAACP.
- 44) **Naffine, N. L.** (2004). *Criminal Justice*. Oxford: Clarendon Press.
- 45) **New York State Division of Criminal Justice Services.** (2020). *The Impact of Treatment Programs on Recidivism in New York*. Albany, NY: DCJS.
- 46) **Nowak, M.** (2005). *UN Covenant on Civil and Political Rights: CCPR Commentary*. Kehl: N.P. Engel Publisher.
- 47) **Pew Charitable Trusts.** (2016). *The Impact of Proposition 47 on Crime and Recidivism in California*. Washington, DC: Pew Charitable Trusts.

- 48) **Pew Charitable Trusts.** (2018). *The Impact of Mass Incarceration on State Budgets*. Washington, DC: Pew Charitable Trusts.
- 49) **Pew Charitable Trusts.** (2018). *The Impact of the First Step Act*. Washington, DC: Pew Charitable Trusts.
- 50) **Rodley, N.** (2009). *The Treatment of Prisoners under International Law*. Oxford: Oxford University Press.
- 51) **Smith, John.** (2020). *Minimizing Prison Sentences in the US Criminal Justice System*. New York: Oxford University Press.
- 52) **Texas Criminal Justice Coalition.** (2018). *The Impact of Treatment Programs on Recidivism in Texas*. Austin, TX: TCJC.
- 53) **Texas Legislative Budget Board.** (2015). *The Impact of the Texas Justice Reinvestment Act*. Austin, TX: Texas Legislative Budget Board.
- 54) **The Sentencing Project.** (2015). *The Impact of Three Strikes Laws*. Washington, DC: The Sentencing Project.
- 55) **Tonry, M.** (2011). *Punishing Race: A Continuing American Dilemma*. Oxford: Oxford University Press.
- 56) **Travis, J., Western, B., & Redburn, S.** (2014). *The Growth of Incarceration in the United States: Exploring Causes and Consequences*. Washington, DC: National Academies Press.
- 57) **United Nations.** (1984). *Convention against Torture and Other Cruel, Inhuman or Degrading Treatment or Punishment*. New York: United Nations.
- 58) **U.S. Sentencing Commission.** (2019). *The First Step Act of 2018: One Year of Implementation*. Washington, DC: U.S. Sentencing Commission.
- 59) **Van Zyl Smit, D., & Snacken, S.** (2009). *Principles of European Prison Law and Policy: Penology and Human Rights*. Oxford: Oxford University Press.
- 60) **Vera Institute of Justice.** (2021). *The Impact of the Less Is More Act in New York*. New York, NY: Vera Institute of Justice.
- 61) **Western, B., & Pettit, B.** (2010). Incarceration & Social Inequality. *Daedalus*, 139(3), 8-19.
- 62) **William, T.** (2015) American legal system and Patriot Act, First edition, New York: Hamilton press.
- 63) **Zimring, F. E.** (2017). *The City That Became Safe: New York's Lessons for Urban Crime and Its Control*. Oxford: Oxford University Press.

- Al-Hilli, Abi Mansur al-Hasan ibn Yusuf. (1999). *Tahrir al-Ahkam*. Vol. 2. Qom: Etemad. (in Arabic)
- Al-Mufid, Abu Abdullah. (1989). *Al-Muqni'ah*. Qom: Jame'e Modarresin. (in Arabic)
- Awdah, Abdul Qadir. (2006). *Al-Tashri' al-Jina'i fi al-Islam*. Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi. (in Arabic)
- Ebrahimvand, Hesam. (2013). Standards for Determining Deprivation of Liberty Punishment in Iranian and English Law. Tehran: Dad va Danesh Publications. (in Persian)
- Ghorbaninia, Naser. (2008). The Philosophy of Punishments in Islamic Criminal Jurisprudence. *Qazaat Journal*, No. 52, August-September 2008. (in Persian)
- Habibzadeh, M. J. , Aghaee, N. and Darvishzadeh, M. J. (2024). Feasibility of Re-enforcement of Hadd that Are Punishable by Death in Case of Incomplete Enforcement in Jurisprudence and Iranian Law. *Journal of Research and Development in Comparative Law*, 7(23), 93-124. doi: [10.22034/law.2024.2015010.1270](https://doi.org/10.22034/law.2024.2015010.1270) (in Persian)
- Ibn Qayyim al-Jawziyya, Muhammad. (n.d.). *Ilam al-Muwaqqi'in*. Vol. 3. (in Arabic)
- Ibn Taymiyyah, Ahmad. (n.d.). *Minhaj al-Sunnah*. Vol. 2. (in Arabic)
- Iran Prisons Organization. (2019). Report on the Status of Prisoners' Families. Tehran: Iran Prisons Organization. (in Persian)
- Iran Statistical Center. (2021). Report on Prisoner Maintenance Costs. Tehran: Iran Statistical Center. (in Persian)
- Izz ibn Abd al-Salam. (n.d.). *Qawa'id al-Ahkam fi Masalih al-Anam*. (in Arabic)
- Khalili, Hossein. (2020). *Islamic Punishments and the Status of Prisons*. Tehran: University of Tehran Press. (in Persian)
- Konani, Salman. (2021). *Decriminalization and Reduction of Criminal Offenses*. 1st Edition. Tehran: Official Gazette Publications. (in Persian)
- Mesbah Yazdi, Mohammad Taqi. (2006). *The Philosophy of Ethics*. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute. (in Persian)
- Moazen Zadegan, Hasan Ali. (2019). *Theoretical Criminology*. Tehran: Mizan Publications. (in Persian)
- Mousavi Bojnourdi, Seyyed Mohammad. (2016). *Islamic Jurisprudence and Alternative Punishments to Imprisonment*. Qom: Islamic Sciences and Culture Academy. (in Persian)
- Parliament Research Center. (2020). Report on the Examination of the Law on Reduction of Discretionary Imprisonment. Tehran: Parliament Research Center. (in Persian)
- Parliament Research Center. (2020). Study on Recidivism Rates and the Economic Costs of Prisons. Tehran: Parliament Research Center. (in Persian)
- Pourhashemi, Seyyed Abbas. (2004). *Prison: The Art of Punishment or Legal Penalty*. 1st Edition. Tehran. (in Persian)
- Pourhashemi, Seyyed Mohammad. (2004). *The Philosophy of Punishment in Islam*. Qom: Islamic Sciences and Culture Academy. (in Persian)
- Rahmi, Ali. (2020). *Iran's Criminal Justice System and the Challenges of Minimizing Imprisonment*. Tehran: Mizan Publications. (in Persian)
- Sadeghi, M. (2025). A Comparative Analysis of the Role of Political Ideologies in the Conceptual Evolution of the Principle of Nulla Poena Sine Lege; With a Glance at the Iranian Legal System. *Journal of Research and Development in Comparative Law*, 8(26), 134-166. doi: [10.22034/law.2024.2037338.1431](https://doi.org/10.22034/law.2024.2037338.1431) (in Persian)
- Sadeghi, Mohammad. (2019). *Minimization of Imprisonment in Islamic Jurisprudence and Iranian Law*. Tehran: University of Tehran Press. (in Persian)
- Tavajjohi, Abdolali & Hesam Ebrahimvand. (2015). A Jurisprudential Study of Imprisonment as a "Last Resort." Proceedings of the 3rd International Congress on Islamic Humanities. Tehran: Sadra Publications. (in Persian)

Va'eli, Ahmad. (1983). Prison Regulations. Translated by Mohammad Hassan Bakaei. Tehran: Islamic Culture Publishing Office. (in Persian)

Va'eli, Mohammad. (1983). The History of Prisons in Islam. Qom: Islamic Propagation Office Publications. (in Persian)

پذیرفته شده | در انتظار انتشار | نسخه‌ی اولیه | ویراستاری نشده  
Accepted | Awaiting Publication | Draft Version | Unedited

# "Minimization of Imprisonment: A Comparative Study of Islamic Jurisprudence, Iran's Criminal Justice System, and the United States"

## Abstract

This article employs a comparative and descriptive-analytical research method to examine the approaches to minimizing imprisonment in three legal systems: Islamic jurisprudence, Iran's criminal justice system, and the U.S. criminal justice system. The primary objective of this study is to analyze the theoretical and practical foundations for reducing the use of imprisonment and to evaluate its impacts on the efficiency of judicial systems and social structures. In Islamic jurisprudence, principles such as human dignity, restorative justice, and the rehabilitative purpose of punishments have minimized the use of imprisonment and introduced suitable alternatives such as fines, community service, and rehabilitation programs. This perspective aligns perfectly with Islam's philosophy of punishment, which emphasizes the rehabilitation of offenders. Although Iran's criminal justice system still considers imprisonment as one of its primary sanctions, it has taken significant steps toward reducing prison populations through legislation such as the "Reduction of Discretionary Imprisonment Act" (2019). This law aims to reduce the heavy costs of maintaining prisons and improve prison conditions, though it faces challenges such as insufficient implementation infrastructure. In contrast, the U.S. criminal justice system, through strict policies like the "War on Drugs" and "Three Strikes Law" has achieved one of the highest incarceration rates in the world. However, in recent years, numerous federal and state laws have been enacted to reduce federal prison populations by expanding alternative sanctions and rehabilitation programs. The comparative study reveals that both Iran and the U.S. recognize the necessity of reducing imprisonment, but there are significant differences in their levels of success and implementation methods. To improve Iran's criminal justice system, it is recommended to adopt measures such as developing community-based sanctions, strengthening prison rehabilitation programs, reducing long-term sentences, and increasing civil society participation. These reforms could simultaneously lower economic costs, enhance the efficiency of the justice system, and reduce recidivism rates.

**Keywords:** Minimization of imprisonment, Islamic jurisprudence, Iranian criminal justice system, U.S. criminal justice system, reduction of discretionary imprisonment.

Accepted | Awaiting Publication | نشر اولیه | ویراستاری نشده